



## علل روانشناختی در گرایش به جنبش های معنوی نوپدید

پدیدآورده (ها) : قدیری، محمد حسین

ادیان، مذاهب و عرفان :: مطالعات معنوی :: بهار 1391 - شماره 3  
از 75 تا 112

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/890410>

دانلود شده توسط : دفتر رصد موسسه بهداشت معنوی  
تاریخ دانلود : 19/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## علل روان‌شناختی در گرایش به جنبش‌های معنوی نوپدید

محمدحسین قدیری<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی علل روان‌شناختی گرایش به جنبش‌های معنوی نوپدید با تأکید بر علل شناختی می‌پردازد؛ روش تحقیق، با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با تطبیق بر نمونه‌های عینی است. این نمونه‌ها برگرفته از فیلم، گزارش، کتاب، اعتراف‌های مستند، شواهد بالینی مشاوره‌ای و مصاحبه‌های بدون ساختار (آزاد) با پانزده کارشناس حوزوی - دانشگاهی است. اگرچه تنها بر علل شناختی از ابعاد روان‌شناختی تأکید شده است، ولی همه‌ی ابعاد روان‌شناختی (شناختی، هیجانی، رفتاری و...) با ابعاد مختلف اقتصادی، جامعه‌شناختی، سیاسی، مذهبی و روان‌شناسی با هم تعامل تنگاتنگ و هم‌پوشی دارند. راه‌های رویارویی با این گرایش‌ها، با معرفی کتاب، زمانی به طور ضمنی و گاهی با صراحت بیان شده است.

### واژگان کلیدی

عرفان اسلامی (عرفان حقیقی یا عرفان مثبت)، نگرش (مثبت و منفی)، رغبت، جنبش‌های معنوی نوپدید، عرفان‌های کاذب، میان‌برذهنی، خطای شناختی.

۱. پژوهشگر موسسه امام خمینی (ع.ج).

## مقدمه

براساس آموزه‌های اسلام، گرایش به عرفان و معنویت، نیازی فطری است. سازمان بهداشت جهانی نیز رسماً بُعد رشد معنوی را به ابعاد رشد (زیستی، اجتماعی، روانی و ...) اضافه کرد.<sup>۱</sup> در عصر حاضر عطش معناخواهی بشر به دلایل زیر بیش از هر دوره شده است: پیچیدگی‌ها و تغییرات سریع زندگی ماشینی، بیماری‌های جدید، بروز جنگ‌ها، توجه به معنا و عرفان در درمان اختلالات روانی،<sup>۲</sup> تبعیض، پیش‌داوری پیروان ادیان، تنش‌ها و جنگ‌های بین ادیان و مذاهب، افراط در توجه به روش تجربی و پوزیتیویستی در علم و روش تحقیق و محدود کردن راه شناخت به این روش، شکست نظام‌های معنویت ستیز و تبلیغات وسیع گروه‌های معنویت‌گرا.<sup>۳</sup> این کشش‌های معنوی در سن نوجوانی و جوانی به دلیل فطرت زلال آن‌ها، بیش از سایر سنین زندگی جلوه‌نمایی می‌کند. به طور کلی، برخی از علل جست‌وجوی معنویت و عرفان عبارتند از:

یافتن چرایی برای زندگی، تقویت اراده، ارضای حس مذهبی، غلبه بر احساس تنهایی، پوچی و خلاء وجودی، معنابخشی به همه‌ی شئون زندگی (روابط، عبادت، عشق، درد و رنج، کار و...)، توجیه مرگ، حل مشکلات و معضلات خارج از توان بشری، یافتن تکیه‌گاه امن در دنیای پرشتاب و متغیر امروزی و...  
علل پیدایش عرفان‌های نوپدید مانند: شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی، جامعه‌شناختی، سیاسی و... با علل گرایش به معنویت هم‌پوشی زیادی دارد.  
برخی واژه‌های کلیدی در جنبش‌های معنوی نوپدید عبارت است از:  
۱. نگرش<sup>۴</sup>: روشی نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به هرگونه رویداد

۱. رک: دیوید فونتا، روان‌شناسی دین و معنویت، ص ۶۲؛ گری هارتز، معنویت و سلامت روان (کاربردهای بالینی)، ص ۶

۲. مانند کارهای بالینی و تحقیقاتی فرانکل در معنا درمانی. رک: انسان در جست‌وجوی معنا؛ خدا در ناخودآگاه؛ پزشک و روح و فریاد ناشنیده برای معنا.

۳. احمد حسین شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، ص ۳۸-۴۸.

4. Attitude .

محیطی (افراد، گروه‌ها، موضوعات اجتماعی و...) است.<sup>۱</sup>

۲. گرایش: فرآیندی است عمدتاً اجتماعی و آموخته شده؛ به معنی آمادگی برای پاسخ دادن (به شیوه‌ای نسبتاً ثابت در رفتار، احساس و فکر) به اشخاص، اشیا و شرایط خاص.<sup>۲</sup> بین گرایش و «رغبت»<sup>۳</sup> تفاوت است؛ ممکن است ما به کسی یا چیزی گرایش مثبت داشته باشیم، ولی رغبت نداشته باشیم.<sup>۴</sup> دانش جویی که برای تحقیق وارد یک فرقه‌ی معنوی نوپدید می‌شود، با مریدان و مرشدان آن ارتباط برقرار می‌کند، معاشرت و مصاحبه می‌کند و کتاب‌های آن‌ها را مطالعه می‌کند، اگرچه نسبت به این فرقه گرایش مثبت پیدا کرده است، ولی رغبت به آن، ندارد.

۳. عرفان مثبت و منفی (حقیقی و کاذب): «عرفان مثبت (حقیقی)؛ یعنی عرفانی که در تعالیم آسمانی ریشه دارد، آغاز حرکتش بیداری بشر از خواب و رؤیاهای حیات طبیعی محض است و آگاهی از این‌که وجود او در حال تکاپو، در مسیر خیر و کمال در متن هدف خلقت عالم هستی قرار می‌گیرد. این عرفان که مسیرش در حیات معقول و مقصدش، قرار گرفتن در جاذبه‌ی کمال مطلق به لقاء الله است، به قرار گرفتن در شعاع جاذبیت او منتهی می‌شود. این عرفان که آن را «عرفان اسلامی» می‌نامیم، هیچ حقیقتی را از عالم هستی اعم از آن‌که مربوط به انسان یا غیر او باشد، حذف نمی‌کند، بلکه همه‌ی عالم را با یک عامل ربّانی درونی صیقل می‌دهد و شفاف می‌سازد و انعکاس نور الهی را در تمام ذرات و روابط اجزای این عالم نشان می‌دهد. این گونه عرفان است که خط نورانی آن به وسیله‌ی انبیای بزرگ الهی در جاده‌ی تکامل کشیده شده است، نه آن تخیلات رؤیایی در مهتاب فضای درونی که سایه‌هایی از مفاهیم بسیار وسیع مانند وجود، واقعیت، کمال، حقیقت و ... را به جای اصل آن گرفته و با مقداری بارقه‌های زودگذر مغزی آن‌ها را روشن ساخته و آن‌ها را حالی و مقامی برای خود تلقین نموده و

۱. جمعی از مؤلفان، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۳۶.

۲. علی اکبر شعاری نژاد، نگاه نو به روان‌شناسی انسان سالم، ص ۳۵۴.

3. Interest.

۴. علی اکبر شعاری نژاد، همان، ص ۳۵۷.

دل به آن‌ها خوش می‌کنند، در صورتی که ممکن است، مدعی چنین عرفانی حتی برای چند لحظه از روزنه‌های قفس مادی نظاره‌ای به بیرون از خود مجازی خویش نکرده باشد. این همان عرفان منفی است که انبوهی از کاروان جویندگان معرفت را از لب دریای درون خود به سراب‌های آب‌نما رهنمون می‌کند.<sup>۱</sup>

۴. عرفان‌های کاذب و جنبش‌های معنوی نوپدید: عرفان‌های کاذب، عرفان‌هایی است که اگرچه حقیقی نیستند، ولی به شکل نسبتاً نظام یافته و مکتب درآمده‌اند و از قدمت برخوردارند، درحالی‌که جنبش‌های معنوی نوپدید، فرقه‌های سطحی و متکثر جدیدی هستند که با کمی تغییر، تحریف و یا تقلید، از دل عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب جوانه زده‌اند. مدعیان مهدویت یا ارتباط با حضرت مهدی (عج)، انجمن حجتیه و... فرقه‌هایی هستند که از عرفان حقیقی جدا شده‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد در این مقاله به این سؤال از بعد روان‌شناختی (با تأکید بر بعد شناختی) می‌پردازیم که چرا با داشتن عرفان اسلامی که پشتوانه‌ی قوی فلسفی، قلبی و وحیانی دارد، برخی به سراغ جنبش‌های نوپدید و عرفان‌های کاذب می‌روند؟

### عوامل شناختی در گرایش به عرفان‌های کاذب

به طور کلی، عوامل مختلف اقتصادی، تربیتی، فرهنگی (رسانه‌ها و...)، ارتباطی، جغرافیایی و طبیعی، جامعه‌شناختی، سیاسی، روان‌شناختی و... در گرایش به جنبش‌های معنوی نوپدید و عرفان‌های کاذب دخالت دارد، ولی در این پژوهش درصدد بررسی مؤلفه‌ها و عوامل روان‌شناختی با تأکید بر عوامل شناختی هستیم. اگرچه برای تحلیل علمی، تبیین و توصیف ناچاریم علل و مؤلفه‌ها را به طور جداگانه بررسی کنیم، ولی روشن است که در زندگی تفکیک حقیقی و عینی این عوامل از یکدیگر غیرممکن است؛ آن‌ها هم‌پوشی و تأثیر و تأثر تنگاتنگ دارند. در تحقیق حاضر، به دلیل محدودیت در حجم مقاله‌های علمی و بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر، تنها مهم‌ترین عوامل شناختی از عوامل روان‌شناختی در گرایش به جنبش‌های معنوی را بحث می‌کنیم.

۱. محمد تقی جعفری، عرفان اسلامی، ص ۲۱-۲۳.

لازم به ذکر است که جدا کردن عامل شناختی از عوامل روان‌شناختی و غیر روان‌شناختی (اقتصادی، مذهبی و...) به دلیل بیان علمی و توصیف، تحلیل و تبیین است و گرنه همه‌ی عوامل در تسهیل، تکوین و تثبیت گرایش‌ها، هم‌پوشی دارند و در هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. حال با این توضیح به بررسی عوامل شناختی<sup>۱</sup> می‌پردازیم.

با توجه به تحلیل روان‌شناختی برخی فیلم‌ها، گزارش‌ها و اعترافات مستند و برخی کتاب‌ها و آثار موجود عرفان‌های کاذب و مصاحبه‌ی آزاد با پانزده کارشناس حوزوی - دانشگاهی، به بررسی برخی از عمده‌ترین عوامل شناختی می‌پردازیم. این عوامل همه در یک سطح و با یک قدرت نفوذ نیستند؛ آن‌ها «تسهیل‌کننده»، «تسریع‌کننده»، «تکمیل‌کننده» و یا «تثبیت‌کننده» می‌باشند.

**۱. سبک آموزشی - کاربردی:** همان‌گونه که گفتیم انسان عطش معنوی دارد. عرفان‌هایی که سبک آموزشی ساده و طبقه‌بندی شده دارند و به شکل گام به گام کار کرده‌اند، برای مخاطب جذابیت دارند. به عنوان نمونه می‌توان این سبک را در عرفان حلقه یا اکنکار دید. هم‌چنین برخی از محققان هندی برای رشد معنوی، مراحل، جداول و طبقه‌بندی‌های پنج‌گانه‌ی یوگا را که اغلب از متون مقدس هندو معرفی شده است، مطرح کرده‌اند.<sup>۲</sup> این مراحل و دسته‌بندی از دیدگاه روان‌شناسی (توجه، یادسپاری، ذخیره سازی و یادآوری و الگوهای تدریس) نقش مهمی در جذب افراد دارند. همسران برخی از رهبران این عرفان‌های کاذب مانند لاوی و اکنکار، روان‌شناس بوده‌اند و کریشنامورتی خودش روان‌شناس بود<sup>۳</sup>، بنابراین می‌توان احتمال داد که آموزه‌های روان‌شناسی در ترویج این عرفان‌ها بی‌تأثیر نبوده است، هرچند که برای بیان دقیق‌تر نیاز به بررسی بیشتر می‌باشد.

۱. عامل شناختی این‌جا از حیث روان‌شناختی است. می‌توان آن را از ابعاد و حیث دیگر مانند فلسفی یا مذهبی و... در جای خودش بحث کرد.

۲. دیوید فونتا، روان‌شناسی دین و معنویت، ص ۱۱۵.

۳. رک: محمد تقی فعالی، آفتاب و سایه‌ها، ص ۱۶۸.

**۲. استناد علت برخی از اختلالات به مذهب:** عده‌ای از افراد معمولی و حتی متخصصان روان‌شناس، برخی از اختلالات روانی مانند توهمات و هذیان‌های مذهبی (دیدن حضرت عیسی و...) و وسواس فکری - عملی در مناسک را به مذهب نسبت می‌دهند<sup>۱</sup> و راه درمان آن را کنار گذاشتن مذهب و فرار از محدودیت‌های مذهب می‌دانند و مراجعان را تشویق می‌کنند که گرایش معنوی راحتی را انتخاب کنند و در واقع عرفان درمانی پیش‌گیرانه و درمان‌گرانه می‌کنند. بنابراین مشاوران، متناسب با باورها، جهان‌بینی و شخصیت‌شان، نقش زیادی در تبلیغ انواع عرفان‌ها دارند، ولی غافل هستند از این‌که بسیاری از رفتارهای افراد مذهبی سر خود و حتی برخلاف نظر کارشناس دین است و اسلام دین سهله سمحه است و خدا آسانی را برای ما در نظر گرفته، این ما هستیم که با ندانم‌کاری‌ها برای خود مشکل درست می‌کنیم. البته در مواردی هم فرد اصل اختلال را دارد، چه دیندار باشد و چه نباشد، فقط دینداری او سبب شده، موضوع بیماری بر امر دینی واقع شود. در برابر، تحقیقات زیادی نشان دهنده‌ی ارتباط مثبت بین دینداری و سلامت روان و جسم و جان است.

**۳. استناد درمان به عرفان:** برخی از متخصصان با تشویق مراجعان، آن‌ها را به عرفان‌های کاذب سوق می‌دهند. علت کار آن‌ها همیشه دغدغه‌های درمانی نیست، گاهی آن‌ها جهان‌بینی خود را به فرد مراجعه‌کننده القا می‌کنند. از سویی هم شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای مانند شبکه‌ی نجات (مسیحی)، از عرفان درمانی و شفا یافتن، به عنوان ابزار تبلیغی استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup>

**۴. کتاب درمانی:** نمی‌توان ادعا کرد، محتوای همه‌ی کتاب‌هایی که در زمینه‌ی معنویت و عرفان‌های کاذب نوشته شده است، به طور کلی خرافه، کذب و مطالب التقاطی و انحراف است. در بسیاری از آن‌ها حکایت‌ها، قصص و تمثیل‌ها (آثار اوشو و کوئلیو ...) و تکنیک‌های کاربردی مفید (یوگا و...) هم وجود دارد. برخی از مشاوران، مربیان و معلمان، بدون توجه به این‌که آیا مخاطب می‌تواند مطالب سره را از ناسره جدا

۱. گری هارتز، همان، ص ۴۴.

۲. رک: علی ناصری راد، افسون حلقه (نقد و بررسی عرفان حلقه)، ص ۲۷. <http://www.rezasafa.com>.

کند، کتاب‌هایی را به آن‌ها معرفی می‌کند، آن‌ها هم به دلیل اعتمادی که به استاد یا مشاور داشته‌اند، همه‌ی آموزه‌ها را می‌پذیرند. برخی از افراد هم بدون مشورت با متخصص آگاه و متدین، برای خودیاری از کتاب‌های کاربردی این عرفان‌های نوپدید موجود در بازار استفاده می‌کنند.

**۵. حرص و کنجکاوی:** کنجکاوی عاملی مؤثر در گرایش به جنبش‌های معنوی نوپدید و عرفان‌های کاذب است.<sup>۱</sup> بسیاری از فرقه‌های عرفانی کاذب ابتدا به شکل منزوی و محصور در منطقه‌ای خاص بودند، موج معنویت‌گرایی جهانی، تکثیر کتب و رمان‌های عرفانی به زبان‌های مختلف، فیلم‌ها و کارتون‌های معنویت‌گرا و رشد سرطانی ابزارها و رسانه‌های تصویری، سبب شد این جنبش‌های معنوی خودنمایی کنند. از آن‌جا که انسان‌ها به ویژه نوجوانان و جوانان کنجگاو هستند و تمایل دارند از نزدیک امور را بررسی و حتی تجربه کنند، به این جنبش‌ها رو می‌آورند. این تمایل جهت کنجکاوی، اگرچه گرایش به این جنبش‌های معنوی نوپدید است، ولی «رغبت» محسوب نمی‌شود. چون هر گرایش مثبتی، رغبت به حساب نمی‌آید.<sup>۲</sup>

امروزه بسیاری از کلیپ‌های این عرفان‌های کاذب مانند شیطان‌پرستی، نمایش خوردن، عقرب، مار و شیشه، فرو کردن سیخ و کارد در بدن، راه رفتن از روی آتش و رقص و سماع در حلقه‌های ذکر و... موجود است و به سرعت با گوشی‌های همراه (بلوتوث) و ایمیل از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. بسیاری از افراد جامعه به قصد کنجکاوی این کلیپ‌ها را می‌بینند، تکثیر این کلیپ‌ها برای آن عده که از نظر شناختی، باورهای دینی، هوش و اعتماد به نفس ضعیف هستند، اثر نامطلوب می‌گذارد و ممکن است سبب تغییر نگرش آن‌ها شود. در مقابل این کلیپ‌ها، فیلم‌های مستندی از هشدار مسئولان قضایی و امنیتی، روان‌شناسان، حقه‌های این فرقه‌ها، اعتراف شیادان و سخنان فریب خوردگان وجود دارد که در خنثی کردن تبلیغات این جنبش‌ها اثر زیادی دارد. انسان نسبت به چیزهایی که منع می‌شود، کنجکاوتر و حریص‌تر می‌شود. اگر منع

۱. جمعی از مؤلفان، همان، ص ۱۷۶.

۲. علی‌اکبر شعاری نژاد، همان، ص ۳۵۷.



همراه با بی‌احترامی یا تندى، باشد، فرد ممکن است حریص شود و درصدد انتقام یا اثبات خود و ابراز وجود برآید. بنابراین در برابر عرفان‌های کاذب تنها «منع استبدادی» مسئولان نظامی، قضایی، تربیتی و فرهنگی کافی نیست، بلکه باید به شخصیت نوجوانان و جوانان احترام گذاشت و آسیب‌ها و تعارض‌های این عرفان‌ها را بازگو کرد.

**۶. بحران هویت:** در سن دوازده تا هجده سالگی، نوجوان با بحران هویت مواجه می‌شود، که باید با خودآگاهی و خودیابی، آن را حل کند. تشکیل هویت، کاری سخت و مملو از اضطراب است. نوجوان‌ها، نقش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف را تجربه می‌کنند و می‌کوشند بهترین و مناسب‌ترین را انتخاب کنند. خروج از مسیر سنت‌ها، اصول ارزشی والدین و رهبران معنوی، می‌تواند منجر به آشفتگی و جبهه‌گیری نوجوان و جوان مضطرب شود. این موضع‌گیری، ممکن است باعث شود که نوجوان و جوان، در مقابل والدین و گرایش‌های معنوی‌یشان بایستند و برای اعتراض، انتقام و اثبات خود، بدون تدبّر و بررسی، مسیر مخالف گرایش والدین یا رهبران دینی، سستی را انتخاب کند. فردی که دچار بحران هویت است نمی‌داند کیست، به کجا تعلق دارد و کجا می‌رود. این فرد ممکن است هویت منفی را در تبهکاری و گرایش به مواد مخدر جست‌وجو کند. گروه هم‌سالان نقش چشم‌گیری در تشکیل هویت مثبت یا منفی نوجوان دارند.<sup>۱</sup> در کشاکش و تعارض بین بزرگان دلوپس و نوجوانان آشفته، خطر گرایش نوجوانان و جوانان به عرفان‌ها و جنبش‌های معنوی نوپدید مانند اوشو، عرفان سرخ پوستی، شیطان‌پرستی و... که در آن‌ها با یوگا، موسیقی، مواد مخدر، ارتباط با جنس مخالف به آرامشی کاذب و زودگذر می‌رسند، جدی است.

**۷. جنسیت و گرایش به جنبش‌های معنوی کاذب:** زن و مرد از نظر روان‌شناختی تفاوت‌های زیادی دارند؛ بعد عقلی و منطقی و استدلالی، انتزاعی، فلسفی و خودآگاهی، مردان قوی‌تر از زنان است؛ ولی زنان قدرت عاطفی، قوه‌ی تخیل و تجسم ذهنی بالایی دارند و از مردان تلقین‌پذیرتر هستند، آن‌ها گرایش به هم‌فکری، مشاوره‌ی

۱. دوان بی شولتز - سیدنی الن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۲۶۵.

روان‌شناختی، استفاده از متخصصان مرد (در حرفه‌ها، پزشکی و مشاوره)، پرسش‌گری، دانستن تعبیر خواب، استخاره گرفتن و... دارند. اختلال وسواس (که در آن اعتقاد به جادو و سحر زیاد است و...) در زنان بیش‌تر از مردان است. البته به غیر از فرآیندهای شناختی، در موارد زیر هم زن و مرد تفاوت‌های روان‌شناختی دارند:

زنان نسبت به مردان گرایش دینی (قلبی)، اخلاقی، معنوی، هیجانی، عاطفی، ایثار، وابستگی، همکاری و... قوی‌تری دارند، به همین دلیل بیش‌تر از مردان گرایش به حضور در مراسم دینی و عرفانی و زیارتگاه‌ها، گرفتن ختم‌های مذهبی مختلف، نذر، شنیدن مداحی یا مرثیه، توسل، دعا و... دارند. زنان وابسته‌تر هستند و تنهایی برایشان سخت‌تر است، درحالی‌که مردان استقلال طلب و خودرأی می‌باشند. از نظر شخصیتی، زنان نسبت به مردان درون‌گراتر هستند (از زمان کودکی این امر نمایان است)، نوسان غم و شادی، خنده و گریه، ابراز شکوه و بیان فشارهای روانی و استرس در زنان بیش‌تر از مردان است و بیش‌تر از مردان به مشاور و پزشک رجوع می‌کند، زنان نسبت به مردان اعتماد به نفس پایین‌تری دارند. با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی یادشده، زنان (به عنوان مرشد یا مرید) بیش‌تر از مردان، در دام جنبش‌های عرفانی کاذبی می‌افتند که این ابعاد در آن‌ها قوی‌تر است. تبلیغات مختلف، ابزارها و روش‌های این جنبش‌ها، متناسب با محل حضور شکار و ویژگی‌های روان‌شناختی طعمه‌ی مورد علاقه است. به عنوان نمونه برخی از مدعیان، مزدگیران و مبلغان این فرقه‌ها برای فریب زنان در باشگاه ورزشی زنان، استخر، سفره‌های نذری، زیارتگاه‌ها، آرایشگاه زنانه، مدارس دخترانه، دانشگاه و پارک‌هایی که تجمع زنان بیش‌تر است، حاضر می‌شوند.

متأسفانه عدم نظارت دقیق بر کار خانم‌های جلسه‌ای سودجو که تحصیلات دینی ندارند، سبب شده آن‌ها از ابعاد روان‌شناختی زنان مانند: گرایش معنوی بالا، تلقین‌پذیری،

۱. محمد حسین قدیری، بررسی آرای یک روان‌شناس فمینیست (نقد کتاب دختران خوب به بهشت می‌روند و دختران بد به همه جا)، نسخه‌ی شماره‌ی ۳۱؛ رک: انسان (زن و مرد) در دو جلوه، محمد مجد؛ حمزه گنجی، روان‌شناسی، تفاوت‌های فردی، ص ۴۴؛ علی اکبر شعاری نژاد، روان‌شناسی رشد، ص ۸۹.

هیجانی، عاطفی و... استفاده کنند و آن‌ها را فریب دهند<sup>۱</sup>.

## ۸. سوگیری و خطای شناختی: ما در مسیر زندگی هنگام تصمیم‌گیری و گزینش،

به دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد، اطلاعات را پردازش نمی‌کنیم و مزایا و معایب یا سودها و زیان‌های آن‌ها را بررسی نمی‌کنیم. از این بالاتر، بسیاری از ما، حتی در کارهای مهم زندگی مانند دین، رشته‌ی تحصیلی، ازدواج و... به تحلیل و تحقیق و بررسی نقاط قوت و عیب‌ها نمی‌پردازیم. در این مواقع برای رسیدن به مقصودمان از میان‌برهای ذهنی<sup>۲</sup>، آسان‌گیر و آسان‌یابی‌های ذهنی استفاده می‌کنیم. برخی از میان‌برهای ذهنی متداول بین مردم عبارتند از: هر چه گران‌تر است، با کیفیت‌تر است<sup>۳</sup> یا «وسایل خارجی، مرغوب‌تر از داخلی هستند».

انتخاب کوتاه‌ترین راه برای انتخاب یا میان‌بر زدن برای گزینش، به دلایل زیر انجام

می‌شود:

در دسترس نبودن منبع معتبر، هوش بالا<sup>۳</sup> یا پایین، نوع شخصیت (وسواسی، پارانوئید، اسکیزوئید، و...) جذابیت، اجبار، نفوذ اجتماعی، ترس از منابع قدرت، نیاز روانی شدید (رفع احساس خودکم‌بینی، فرار از تنهایی و درمان اختلالات روانی، عطش دانستن و اشراف بر غیب، شهود و...)، نیاز معنوی شدید (نیاز و عطش باطنی برای دانستن راه و چاه)، نیاز زیستی شدید (غذا، جنس مخالف، مسکن، مرکب و...) کمبود وقت، بی‌تفاوتی، اهمال‌کاری، حجم زیاد اطلاعات، تبلیغات جذاب و متنوع، اطلاعات متعدد و متناقض، هزینه‌بر بودن تحقیق، تشویق مستقیم و یا پنهان‌الگوها، کمبود اطلاعات و...

اگرچه استفاده از میان‌بر ذهنی برای ما فواید زیادی دارد، اما به دلیل فاکتور گرفتن و اشراف نداشتن بر همه‌ی اطلاعات، طبیعی است که گاهی دچار «سوگیری» و «خطاهای شناختی» شویم. ما باید آگاه باشیم که در مسائل کلان زندگی دچار اشتباه

۱. با توجه به اعترافات و بررسی مدارک معتبر رک: قبیله‌ی حیل، ص ۱۲۱ و ۱۲۹، جامعه‌ی مدرسین قم.

2. Shortcuts .

۳. با حدس دقیق زیرکانه یا تمرکز افراطی و وسواس‌گونه بر برخی اطلاعات.

نشویم، چون هرگز وزن خطا در هدف زندگی، یک اندازه نیست؛ هرچه هدف با ارزش تر باشد، مسیر، ابزار، روش، راهنمای مسیر و رفیق راه باید دقیق تر انتخاب شوند. عدم دقت در این امر مثل این است که ما می‌دانیم گنجی در فلان جزیره هست، ولی بدون نقشه و ابزار و راهنمای صادق بخواهیم به آن دسترسی پیدا کنیم.

عقل و شرع حکم می‌کنند در امور مهم، تفکر، تحقیق و مشورت کنیم و از افراد معتبری که علمشان به وحی وصل است، کمک بگیریم. به همین دلیل اسلام از ما می‌خواهد برای دستیابی به اصول دین، هدف غایی زندگی و مکتب و استاد عرفان که سعادت ما را مشخص می‌کند، از روش الگوریتم استفاده کنیم؛ با استدلال و تفکر منطقی، شیوه‌های حل مسئله، مشورت و تحقیق گام به گام جلو برویم و در فروع دین (که وقت و یا استعداد متخصص شدن را نداریم)، با تقلید از کارشناس (مجتهد اعلم جامع شرایط با تقوا) از «میان‌بر ذهنی معتبر» کمک بگیریم. قسمتی از فروع دین تبعدی است که این به معنی «میان‌بر ذهنی بی‌حساب و کتاب» نیست، بلکه این میان‌بر، در شاهراه اصول دین است و چراغ عقل و تابلوهای راهنمای استدلال پشتیبانشان است.

مهم‌ترین میان‌برها، آسان‌یاب‌ها و آسان‌گیرهای ذهنی که سبب سوگیری و خطاهای شناختی و در نتیجه گرایش به جنبش‌های معنوی نوپدید و عرفان‌های کاذب می‌شوند، عبارتند از:

۸-۱. **قاعده‌ی همانندی:** ما در مقابل اطلاعات انبوهی که روزانه در عصر توسعه و ارتباطات دریافت می‌کنیم، منفعل نیستیم، بلکه آن‌ها را از صافی «شناخت‌های اجتماعی» عبور می‌دهیم و سازمان‌دهی می‌کنیم. به این فیلترها «طرح‌های ذهنی» می‌گویند. طرح‌های ذهنی شامل تجربیات گذشته و مجموعه‌ای از اطلاعات به هم تنیده در مفاهیم مختلف است<sup>۱</sup>. یکی از میان‌برهای ذهنی افراد که سبب سوگیری و خطای شناختی در گرایش به عرفان‌های کاذب یا جنبش‌های نوپدید می‌شود، «قاعده‌ی همانندی» است. ممکن است دو تفکر سحری؛ شباهت و سرایت، منجر به گرایش به

۱. جمعی از مؤلفان، همان، ص ۱۰۴.

عرفان‌های کاذب شوند. در تفکر سحری شباهت، فرد گمان می‌کند که اگر دو چیز با هم شباهت داشته باشند، آثار یکی به دیگری سرایت می‌کند، ولی در تفکر سحری سرایت، گمان می‌کند که اگر دو چیز با هم مرتبط باشند، آثار یکی به دیگری سرایت می‌کند.<sup>۱</sup> برخی از عرفان‌های کاذب و نوظهور، از عرفان ناب اسلامی منحرف شده‌اند و برخی از آن‌ها، مفاهیم مشترک زیادی با اسلام ناب دارند و برای جذب افراد، ابتدا از تبلیغ و تأکید بر این مفاهیم مشترک و همانند کمک می‌گیرند و لابه‌لای این مفاهیم مشترک، به تدریج افکار التقاطی و انحرافیشان را نیز تزریق می‌کنند. مشابهت زیاد یک گروه با تصور قالبی و ذهنی فرد مسلمان از عرفان مثبت، سبب گرایش به آن گروه یا حلقه می‌شود تا جایی که فردی که کارشناس دین نیست و از راهنمایی افراد خبره بی‌بهره است، تصور می‌کند، «رابطه‌ی این همانی» بین این عرفان‌ها و عرفان اسلامی وجود دارد. از آن جایی که تصور قالب، متکی به تجربیات و شبکه‌ی اطلاعات محدود فرد غیر متخصص است، گزینش درستی صورت نمی‌گیرد.

هم‌سویی ظاهری تعالیم رام‌الله، سای بابا، عرفان حلقه با دین اسلام و استفاده از آیات و روایات اسلامی و تفسیر به رأی، نوعی همانندسازی با تعالیم اسلامی است که تشخیص برای افراد عادی سخت است. هم‌چنین<sup>۲</sup> اشو با شعارهای هم‌سو با غریزه و فطرت وارد شده و در بین سخنانش، افکار انحرافی را القا می‌کند. او می‌گوید: انسان باید آزاد باشد. هیچ ممنوعیتی نباید باشد. بر خودت سخت مگیر. خدا همه جا هست و در همه هست. تو نیز خدایی. به گذشته فکر نکنید. هرگز احساس پشیمانی نکنید. خوش باشید. احساس گناه نکنید.<sup>۳</sup> برخی از جنبش‌های معنوی برای این‌که مریدان زیادی پیدا کنند، تلاش می‌کنند در عرفان خود از همه‌ی ادیان و عرفان‌های دیگر، سخنان و آموزه‌هایی وارد کنند، این امر در آثار اشو مشهود است، به عنوان نمونه، او

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. رک: ساتیا، سای بابا، سخنان ساتیا سای بابا، (مانند: ذکر، نیکی به خلق، یتیم‌نوازی، دیدن کرامات، بازگو نکردن بدی دیگران، احترام و عشق به پدر و مادر، بیان حقیقت، پرهیز کاربودن، هرگز سبب اندوه دیگران نشدن، به خود و دیگران آسیب نرساندن، از کلام نادرست، دروغ، انکار خدا، حسد، وابستگی، نفرت، خشم، طمع و زنا، دزدی، شرب خمر و... اجتناب کردن.)

۳. قادر فاضلی، آب و سراب، ص ۳۸.

برای به دام انداختن مسلمانان، از عرفان اسلامی هم تاحدودی تأثیر پذیرفته است.<sup>۱</sup>

**۸-۲. عقاید خرافی<sup>۲</sup>:** خرافه در لغت به معنای سخن یاوه، بیهوده و بی اساس<sup>۳</sup> است و در روان‌شناسی به باورهای غیرمنطقی به سحر، جادو و بخت و اقبال و ترس مفرط از ناشناخته‌ها می‌گویند. تقویت مسائل تصادفی مکرر، می‌تواند سبب عادت و رفتار خرافی شود.<sup>۴</sup> مردم در بسیاری از موارد به جای تحلیل اطلاعات، تحقیق و مشورت، از خرافات متداول در فرهنگ و عرف، که به نوعی میان‌بر ذهنی است، استفاده می‌کنند. بنابراین باورهای خرافی در بسیاری از موارد مجموعه‌ای از خطاهای شناختی است، که هیچ مبنای عقلی و شرعی ندارند.

به طور کلی، خرافات ریشه در اشتباه در ادراک و قضاوت، فشارهای اجتماعی، یادگیری (شرطی‌سازی، تقویت و تشویق، تقلید)، شخصیت و اختلالات روانی (هذیان، وسواس)، عملیات روانی دشمن و... دارد. در بسیاری از مناطق و فرهنگ‌ها خرافات به دلیل جهل، حیرت، ترس و اضطراب، ندانستن علت برخی رویدادها و ذهن‌خوانی و راحت‌طلبی، تعصب‌ها، سکوت تأییدگونه‌ی افراد آگاه، دروغ‌پردازی، شایعه، پیروی کورکورانه از الگوها و بزرگان خود، اجبار و عملیات روانی دشمنان و ترغیب و تهدید و مغالطه‌ی افراد سودجو مانند جادوگر، رمال و... به وجود می‌آیند. تمسک به خرافات می‌تواند به طور موقتی سبب کاهش اضطراب شود، البته برخی از خرافات هم اضطراب را افزایش می‌دهند. کتاب کلثوم ننه، نوشته‌ی عالم برجسته‌ی شیعه، در کنار تبلیغ دین، در قالبی طنز برای مقابله با خرافات و باورهای غیر منطقی زنان است. در این کتاب باور نادرست به جادوگر، رمال، دعانویس و... مورد نقد قرار گرفته است.

برخی عقاید خرافی منجر به گرایش به جنبش‌ها و عرفان‌های نوظهور می‌شوند. به

۱. محمدتقی فعالی، همان، ص ۱۱۹.

## 2. Superstition .

۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۵۴۸.

۳. نصرت الله پور افکاری، فرهنگ جامع روان‌شناسی روان پزشکی، ج ۲، ص ۱۴۶۶.

عنوان نمونه، بسیاری از افراد گمان می‌کنند هر فردی یک هم‌زاد<sup>۱</sup> دارد و او می‌تواند عامل موفقیت، بیماری و یا شکست شود. به همین دلیل از مدعیان رمال، دعانویس، جن‌گیر و عارف تقلبی برای رسیدن به خواسته‌ها و دفع ضررها کمک می‌گیرند؛ خرافات و باورهای غلط نیز رابطه‌ی هم‌افزایی دارند و سبب رشد جهل و افکار مزاحم و وسواسی می‌شوند. مثلاً خانمی نذر کرده بود که بیماری پدرش خوب شود تا حجابش را رعایت کند، وضع پدرش بدتر شد و او عمداً حجاب را کنار گذاشت.<sup>۲</sup>

**نمونه:** مدت هشت سالی که به عنوان مشاور، تلفنی، مکاتبه‌ای و یا ایمیلی در برخی از مراکز از جمله مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی مشغول فعالیت بودم، تقریباً هر ماه با خانم‌های زیادی مواجه می‌شدم که در دام برخی از جنبش‌های معنوی کاذب افتاده‌اند. به عنوان نمونه عده‌ی زیادی به خاطر اختلافات شدید خانوادگی، ترس از بسته شدن بخت دخترانشان (که اغلب تحصیلات بالایی دارند و سن ازدواجشان به تأخیر افتاده یا خواستگارانیشان را از دست می‌دهند و...) به خواندن افراطی کتاب‌های زیادی در این‌باره اقدام کرده بودند. آن‌ها در منبع مهار و اسنادش (نسبت دادن علل و چرایی رفتار) دچار اشتباه می‌شوند، به طوری که بدون این‌که عوامل و اسباب طبیعی را در نظر بگیرند، ریشه‌ی همه‌ی مشکلات را به امور ماورایی سحر و جادو و بخت‌بستن و چشم زخم نسبت می‌دهند و برای رفع گرفتاریشان به مدعیانی جن‌گیر، پیش‌گو، طالع‌بین، رمال و دعانویس بی‌سواد و... رجوع می‌کنند. کار به جایی می‌رسد که یک فرد تحصیل‌کرده می‌پذیرد که مردی دور ناف یا روی ران او دعای ابطال سحر و بخت‌گشایی بنویسد یا برای با برکت شدن زندگی زناشویی یا گشوده شدن بختش با مرشد شیادی که ظاهری عرفانی برای خود درست کرده است، رابطه‌ی جنسی داشته باشد.

۸-۳. تفکر بیش از حد به یک موضوع: تفکر وسواس‌گونه و بیش از حد به یک

۱. به باور خرافی (غیر علمی) هر کس هم‌زادی دارد که در «دنیای از ما بهتران» به‌طور هم‌زمان با او زندگی می‌کند و رشدی هم‌گام با آن شخص دارد. مصریان قدیم بر این باور بودند که تمامی زندگان دارای هم‌زاد هستند و این هم‌زادها را «کا» می‌نامیدند. به باور مصریان، پس از مرگ انسان هم‌زاد او نمی‌میرد. <http://fa.wikipedia.org>

۲. علی اسلامی نسب، شفای وسواس، ص ۲۸۲.

موضوع، نوعی میان‌بر ذهنی است که سبب خطای شناختی می‌شود و ما را از کل بازمی‌دارد. افراد وسواسی، کم هوش و با هوش‌بالا و... بیش‌تر زمینه‌ی این تفکر را دارند. به این نمونه‌ی عینی دقت کنید: برخی از افراد متدین آن قدر غرق در خیال و تفکر درباره‌ی راه‌های رسیدن محضر امام زمان (عج) می‌شوند که وظایف خود را فراموش می‌کنند. عطش رسیدن به وصال تا جایی می‌رسد که مانند افراد غریق، برای رسیدن به آرامش و رهایی، دست به هر خاشاکی می‌زنند و در این راه گرفتار شیادان و مدعیان مهدویت می‌شوند. افرادی با سوءاستفاده از علاقه‌ی شدید مردم به امام زمان (عج)، با فهرست کردن برخی از نشانه‌های ظهور و تحریف و تطبیق آن بر خود، ادعا کرده بودند که سید حسنی هستند. عشق به دیدار امام، مانع ژرفاندیشی برخی افراد پاک ولی ساده شده بود، از این‌رو گرفتار دام این مدعیان شده بودند. وقتی از این مردم سؤال می‌شد که چرا فریب خوردید می‌گفتند: یک عمر اشتیاق دیدن امام زمان (عج) را در خواب و بیداری داشتیم، با مواجه شدن با این نشانه‌های ساختگی، فکر کردیم به آرزوی خود رسیده‌ایم.

**۸-۴. تفکر درباره‌ی عکس واقعیت:** این خطای شناختی را در قالب یک نمونه‌ی مستند بالینی که مشتی از خروار است، بیان می‌کنم: خانمی که فرزندش تحت معالجه‌ی پزشکی بود، با توصیه‌ی برخی از خویشاوندان دلسوز برای سلامت فرزندش از دعانویس شیادی دعا گرفت. دعانویس به او گفت که این دعا را هرگز نباید باز کنی وگرنه برای فرزندت اتفاق ناگواری می‌افتد. بعد از مدتی فردی این دعا را باز کرد و فرزند او هم دچار بیماری سختی شد. این خانم فکر کرد علت بیماری فرزندش، باز کردن دعا بوده است، بنابراین این دفعه با اعتقاد بیش‌تری پیش دعانویس رفت، در حالی که همه‌ی ما انسان‌ها در معرض خطرات طبیعی، بیماری، تصادف و... هستیم.

**۸-۵. فکر همه یا هیچ:** در این خطای شناختی فرد، یک رفتار، فکر، پدیده یا موضوع را کلاً سفید یا سیاه می‌بیند. از نظر او هر چیز کم‌تر از کامل، شکست بی چون

۱. مدعی سید حسنی در فیلمی از وزارت اطلاعات نمایش داده شده در مدرسه‌ی علمیه‌ی معصومیه قم.



و چراست. عدم قناعت به مقدار و یا بخشی از یک کار، یک فعالیت و یا یک امتیاز، آن‌ها را از مزایای کل آن امر محروم می‌کند؛ «من نباید مرتکب گناه می‌شدم، حالا که فلان گناه کبیره را انجام دادم، دیگر فرقی نمی‌کند، آب که از سر گذشت چه یک نی چه صد نی». بنابراین به طور گرایش ناهشیار، برای رسیدن به لذت‌های بیش‌تر حاصل از گناه، به عرفان‌های کاذب رو می‌آورد تا به نوعی بعد معنویت‌گرای خود را جواب دهد و از سوئی هم دستش برای گناه باز باشد. یا می‌گوید: «همه‌ی اساتید عرفان اسلامی باید معصوم باشند، چون فلان استاد عرفان دچار اشتباه و یا گناه شده است، پس همه‌ی عرفای اسلام مشکل دارند». یا «من باید با این همه نماز شب یا دعایی که می‌خواندم، به مکاشفه، طی الارض، حاجتم و... می‌رسیدم، حالا که نرسیدم، پس مشخص است که مسیر من درست نبوده است».

مسئول شبکه‌ی ماهواره‌ای نجات برای فریب دیگران می‌گوید: من مسلمان بودم و بیش از بیست سال، کتاب دعا، زیارت، نماز شب و نماز ترک نشد، اما هیچ جوابی نگرفتم، وقتی مسیحی شدم، به همه‌ی خواسته‌های خودم رسیدم و الان شفا هم می‌دهم. وی کتابی به نام شفای بیماران<sup>۱</sup> نوشته است و در برخی از برنامه‌های ساختگی‌اش کلیپ‌های شفا دادنش به امر حضرت مسیح را نمایش می‌دهد. او برای منحرف کردن مسلمانان از هیچ دروغی پروایی ندارد<sup>۲</sup> و ادعا دارد که در ایران مردم با زور اسلحه نماز می‌خوانند.<sup>۳</sup>

ادعای مسلمان بودن او ترفندی روان‌شناختی برای تغییر نگرش‌هاست. با توجه به

۱. شبان رضا صفا، در این کتاب ادعا دارد به نام مسیح بیماران را شفا می‌دهد و تعلیم می‌دهد که ما چگونه به وسیله‌ی زخم‌های بدن مسیح شفا یافته‌ایم. شفا نان فرزندان است: این هدیه‌ی گران‌بها برای همه‌ی ایمان‌داران مهیا شده است. خداوند می‌خواهد همه‌ی شما که بیمار هستید، شفا بیابید به همین منظور بدن عیسی مسیح مضروب شد تا ما به وسیله‌ی زخم‌های بدن او شفا بیابیم. تعلیم این کتاب برای مسیحیان و حتی غیر مسیحیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باشد که فهم این کلام باعث گردد که آن هدیه‌ای که خداوند از قبل برای شما مهیا کرده است، به‌دست آورید.  
(<http://www.rezasafa.com>)

۲. برای این که با مچ‌گیری‌هایی که از امثال این مبلغان دروغ‌گو شده است، بیش‌تر آشنا شوید و ماهیت منفعت‌طلبی و هوس‌پرستی امثال ایشان را خوب بشناسید، به سی‌دی از برره تا لوس آنجلس کاری، محصول هنری ونوس رجوع کنید.

۳. سی‌دی «ناقوس شیطان»، کاری از مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

همین تکنیک است که معتادان راغب هستند با فردی همکاری کنند که خودش اعتیاد و سختی‌های مشابه را تجربه کرده باشد.

**نمونه:** در مشاوره، با افراد وسواسی یا خانم‌های مجردی مواجه می‌شویم که برای رسیدن به آرزوها یا خواسته‌های خود، به شکل افراطی، دعا می‌کردند و بعد از مدتی که به خواسته‌شان نرسیدند، از اصل دین و عبادت صرفه‌نظر کردند و به سوی عرفان‌های کاذبی رفتند که ادعا می‌کردند، زود خواسته‌ی آن‌ها را برآورده می‌کنند. کتاب‌هایی که درباره‌ی عارف شدن در کم‌ترین زمان نوشته شده است، تله‌ای است که بسیاری از این افراد را در خود می‌اندازد.

**۸-۶. تعمیم مبالغه‌آمیز:** افرادی که دارای این نوع تفکر هستند، تحت تأثیر یک حادثه‌ی مثبت قرار می‌گیرند و در پرتو آن، همه‌ی واقعیت‌ها را مثبت ارزیابی می‌کنند. این عدم توانایی در دیدن همه‌ی بخش‌ها، عاملی است که ذهن را محدود و درگیر می‌کند. در روان‌شناسی و علوم شناختی، خطای هاله‌ای (اثر هاله‌ای<sup>۱</sup>) به نوعی خطا در شناخت و تصمیم‌گیری گفته می‌شود که باعث می‌شود ادراک از یک چیز بر ادراک از چیزهای دیگر مربوط به آن تأثیر گذارد. هم‌چنین خطای هاله تحت تأثیر ذهنیت قبلی قضاوت‌کننده شکل می‌گیرد و می‌تواند از حقیقت و انصاف به دور باشد. به عنوان مثال وقتی معلمی از دانش‌آموزی، ذهنیتی منفی به عنوان یک فرد تنبل دارد، در برخوردهای بعدی نیز ممکن است این پیش‌داوری بر قضاوت او تأثیر بگذارد. از این رو همیشه به معلمان توصیه می‌شود، در هنگام تصحیح ورقه‌های امتحانی، به اسامی دانش‌آموزان نگاه نکنند تا ذهنیت‌های قبلی بر نحوه‌ی قضاوت آن‌ها تأثیر نگذارد. تأثیر خطای هاله‌ای می‌تواند در قضاوت‌کننده بسته به تصویر ذهنی قبلی، مثبت یا منفی باشد<sup>۲</sup>.

فردی که اختلال اضطرابی داشته و در جلسات یوگا، مدیتیشن و مراقبه یا هیپنوتیزم شرکت کرده است و در کنار تکنیک‌های روان‌درمانی یا دارو درمانی و دارونماها (پلاسیبو) به آرامش نسبی رسیده است، با القائات پنهان مربیان یا خطاشناختی

1. Halo Effect .

۲. علی‌اکبر شعاری نژاد، همان، ص ۲۲۷.

خود، این خواص مثبت را به کل آموزه‌های مکتب عرفانی یوگا و یا بودا نسبت می‌دهد. هم‌چنین کسی که تحت تأثیر القائنات استاد هپینوتیزم به خواب مصنوعی رفته است، برای او قدرت، شأن و مراتب ماورایی تصور می‌کند، یا فردی که علاقه به خواندن رمان دارد و داستان‌های جذاب پائلو کوئلیو را می‌خواند و لذت می‌برد، همه‌ی گفته‌های او را مثبت ارزیابی می‌کند.

**نمونه‌ی عینی:** خانم پزشکی می‌گفت: یکی از پزشکان برجسته، سخنان عرفانی و جذابی می‌زد. من که گرایش معنوی زیادی داشتم، در جلسات او شرکت کردم. شوهرم نیز پزشک بود، تنها مشکل من با او در نماز نخواندن او خلاصه می‌شد. برای جذب او به دین، او را به جلسات این استاد دعوت کردم. ما که او را حاذق‌ترین پزشک می‌دیدیم، جذب سخنان و آموزه‌های عرفانی، گیرا و دل‌نشین او که هنوز نشنیده بودیم، شدیم. بعد از چند ماه متوجه انحرافات فکری و عملی او شدم. در عرفانی که او آموزش می‌داد خبری از شریعت نبود. در ارتباط با جنس مخالف قائل به تسامح بود و انحرافات جنسی داشت. خواستم مانع حضور شوهر و فرزندم که دانشجوی پزشکی بود، در جلسه‌اش شوم، ولی او با نفوذی که پیدا کرده بود، به شوهرم دستور داد که برای رشد عرفانی باید از من جدا شود<sup>۱</sup>.

**۷-۸. روش‌های غیرعلمی:** اگرچه ما در زندگی روزمره گرایش زیادی برای به کارگیری اشعار، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، رؤیاهای، تجارب شخصی و... برای شناخت حقایق داریم، ولی دانشمندان علم روش تحقیق به ما هشدار می‌دهند که برای کشف حقایق و علل، تبیین، تحلیل و پیش‌بینی رویدادهای مختلف، در دام این شیوه‌های غیر علمی نیفتیم. تکیه کردن به افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌های رایج، حکم‌های کلی، ادبیات، شرح حال‌ها، تجارب شخصی، مکاشفه و رؤیاهای به عنوان روش معتبر، بدون مؤیدها و قرینه‌های محکم و یقینی، عامل مهمی در خطاهای شناختی است<sup>۲</sup>. این خطاها گاهی با تسامح، جهل و هوسرانی، زمانی با مغالطه و شواهد متعدد ساختگی افراد سودجو و

۱. این خانم با بخش مشاوره‌ی تلفنی مرکز پاسخ‌گویی به سوالات دینی تماس گرفت.

۲. محمد پارسا، زمینه‌ی روان‌شناسی، ص ۱۶.

هوسران و گاهی هم با برداشت‌های سطحی و غیرجامع‌نگر و... نقش تسهیل‌کننده، تسریع‌کننده و یا تثبیت‌کننده در گرایش به عرفان‌های کاذب دارند. برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

الف) ضرب‌المثل: «دل باید پاک باشه»<sup>۱</sup>، با این ضرب‌المثل و شعار که نفس راحت طلب هم آن را هم‌ساز خود می‌بیند، بین ابعاد دین (طریقت و شریعت و حقیقت) جدایی ایجاد می‌کنند و با حذف مناسک و احکام شرعی از دین، اباحه‌گر و شریعت‌گریز می‌شوند. بعد از آن راه برای حضور در عرفان‌های کاذب مانند اشو، کوئلیو و... که در اباحه‌گری و شریعت‌گریزی مشترک هستند، باز است.

ب) ادبیات عرفانی: تفاسیر تحریفی از اشعار عرفا. برخی افراد سطحی‌نگر، تلقین‌پذیر، وابسته، خود کم‌بین که احساس ارزشمندی ندارند، هوسران و عده‌ای مغرض با استناد به برخی اشعار گزینشی که قابلیت تفاسیر مختلف را دارند، به عرفا نسبت جبرگرایی<sup>۲</sup>، سرگردانی<sup>۳</sup>، پوچ‌گرایی<sup>۴</sup>، انکار قیامت<sup>۵</sup>، دم‌غنیمت‌شمردن<sup>۶</sup>، شاهدبازی<sup>۷</sup>، گدایی و دریوزگی، مدح از جباران<sup>۸</sup>، هم‌جنس‌گرایی<sup>۹</sup>، خوش‌گذرانی، ترغیب به گناه به امید عفو<sup>۱۰</sup>، اباحه‌گری<sup>۱۱</sup> و تشویق به رهبانیت و جمع‌گریزی<sup>۱۲</sup> و... داده‌اند. استفاده از عوامل مؤثر در تغییر نگرش مانند: افراد جذاب، متخصصین، استدلال

۱. محمدحسین قیدری، روان‌شناسی و مهارت‌های رفتاری در تبلیغ غیرمستقیم، ص ۱۵۶.

۲. حافظ: رضا به داده بده وز جبین گره بگشا

۳. حافظ: وجود ما معمایی است حافظ

۴. حافظ: جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است

۵. حافظ: فرصت شمار صحبت، کز این دو راه منزل

۶. خیام: تا کی غم آن خوری که داری یا نی؟

۷. خیام: خیام! اگر ز باده مستی، خوش باش

۸. مرتضی مطهری، عرفان حافظ، ص ۶۸ و ۶۹

۹. حافظ: هرکه را با خط سبزت، سر سودا باشد

۱۰. قائلی: شرمنده از آنم که در روز مکافات

۱۱. خیام: از گردش روزگار بهری برگیر

۱۲. دلا خو کن به "تنهایی" که از "تن‌ها" بلا خیزد

که بر من و تو در اختیار نگشادست

که تحقیقش فسون است و فسانه

هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

چون بگذریم، دیگر نتوان به هم رسیدن

وین عمر به خوشدلی گذاری یا نی؟

گر با صنمی دمی نشستی، خوش باش

پا از این دایره بیرون نهد، تا باشد

اندر خور عفو تو نکردم گناهی

بر تخت طرب نشین و ساغر درگیر

سعادت آن کسی دارد که از "تنها" بپرهیزد

دو سویه (بیان کمکی از معایب و فواید زیاد)، هیجان شدید (منفی و مثبت)، بار احساسی کلمات، ابراز عواطف مثبت و... در کنار تفاسیر، جزء برنامه‌های تبلیغی این جنبش‌هاست.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه از خانم جذاب، زیبا و بی‌حجاب برای تفسیر ادبیات عرفانی یا بیان آیات قرآن کمک می‌گیرند.<sup>۲</sup>

هرکسی شایستگی تدریس ادبیات عرفانی و ادبیات فارسی را ندارد. تدریس ادبیات عرفانی اگر به دست فرد اباحه‌گر و بی‌قید باشد، تیغ تیزی است در دست زنگی مست. بسیاری از افراد که تحصیلات دانشگاهی ندارند و به اشعار عرفانی علاقه‌مند هستند، چون به شکل جامع، اشعار را نمی‌خوانند، ممکن است در تفسیر و تعبیر اشعار بزرگان دچار اشتباه شوند تا جایی که زمینه‌ی انحراف و گرایش به عرفان‌های کاذب در آن‌ها ایجاد شود.

ج) افسانه‌ها: دامن‌زدن به معنویت‌های جادویی و افسانه‌ای دین‌ستیز مانند هری پاتر، دوقلوهای افسانه‌ای و... در قالب رمان، فیلم، سریال و کارتون به زبان‌های مختلف دنیا، یکی از برنامه‌های جدی غرب برای تقویت مبانی نظام لیبرال دموکراسی (کثرت‌گرایی معرفتی و سلوکی، اصالت سود و لذت و آزادی و...) است. در برابر، آن‌ها به مبارزه با عرفان حماسی اسلامی می‌پردازند، عرفانی که مبانی آن‌ها را در معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی و روش‌شناسی قبول ندارد.<sup>۳</sup>

۸-۸. استدلال احساسی: بسیاری از افراد با استدلال احساسی فکر می‌کنند که احساسات منفی‌یشان لزوماً منعکس‌کننده‌ی واقعیت‌ها است. استدلال احساسی، ما را از واقعیت‌ها دور نگه می‌دارد. استدلال منطقی و قیاسی درست، منجر به رفتار و تصمیم منطقی می‌شود، ولی اگر هیجان‌ها، رغبت‌ها و آرزوها، محرک رفتار و گرایش‌های ما شدند و اندیشه در آن‌ها راه نداشت، دچار خطا خواهیم شد.<sup>۴</sup> مثال‌های زیر نمونه‌هایی

۱. رک: جمعی از مؤلفان، همان، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲. رک: سی دی هجوم خاموش، کاری از سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج مدرسه‌ی معصومیه قم.

۳. احمد حسین شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، ص ۶۰.

۴. محمد پارسا، بنیادهای روان‌شناسی (روان‌شناسی عمومی)، ص ۳۸۵.

بارز از استدلال احساسی هستند که با گرایش به عرفان‌های کاذب ارتباط دارند: «چون فلان درویش نمازهایش را در حرم امام رضا علیه السلام می‌خواند، سخنان و ادعاهایش درست است»؛ «یه حسی به من می‌گوید که او نظر کرده است»؛ «چون فلان مرشد و درویش نام و شغل و مشخصات من را می‌دانست، بر حق است»؛ «چون در خواب فلان امام به من مأموریت داده‌اند، من جانشین امام هستم»؛ «چون سید است و مردم قبولش دارند و در کودکی فلان عارف در حقش دعا کرده است، مریدش هستم»؛ «چون گرایش به این عرفان روز به روز زیادتر می‌شود و کتاب‌های رهبرش جذاب است، عضو شدم» و «فوتبالیست محبوبم عضو فلان عرفان شده، من هم عضو آن خواهم شد». کونلیو برای دامن زدن به این استدلال‌ات حسی، از هیجان در فوتبال استفاده کرد و سال ۲۰۰۶، مهمان رسمی فیفا در جام جهانی فوتبال در آلمان شد. یا برخی از مربیان و ورزشکاران مشهور دنیا، رسماً وابستگی خود را به عرفان صهیونیستی کابالا اعلام کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در برابر، ممکن است نسبت به عارف برحقی این گونه استدلال کنند: «احساس بدی نسبت به او دارم، چون قیافه، منش و سخنانش بر دلم نشست، پس باید آدم بدی باشد» و «چون افراد کمی گرد او جمع می‌شوند و مرید زیادی ندارد، به او رغبتی ندارم». نمونه‌ای از استدلال احساسی یکی از مدعیان نبوت که کتابش مورد استقبال قرار گرفته است: «پیامبر بی سواد بود، من هم بی سواد هستم و نوشتن این کتاب‌ها معجزه‌ی من است».<sup>۲</sup>

**۸-۹. فیلترهای ذهنی:** تعصب، تبعیض و پیش‌داوری کورکورانه، میان‌برهای ذهنی هستند که اجازه نمی‌دهند فرد درباره‌ی چیز دیگری تحقیق کند و مانع شناخت واقعیت می‌شوند. افرادی که با خواندن چند جلد کتاب از یکی از مدعیان عرفان، جذبش می‌شوند و حاضر نمی‌شوند حتی نقد آن عرفان را بخوانند؛ افرادی که تنها دلیلشان برای انتخاب معنویت، عضویت در برخی گروه‌ها و یا پیروی از الگوهای ورزشی، ستاره‌ی سینما و موسیقی یا والدین و رئیس فامیل است، دچار نوعی سوگیری

۱. احمد حسین شریفی، جنگ نرم، ص ۱۱۴.

۲. با توجه به اعترافات و بررسی مدارک معتبر رک: جامعه‌ی مدسین قم، همان، ص ۱۳۵.

و خطای شناختی در شناخت حقیقت شده‌اند.

۸-۱۰. نتیجه‌گیری شتاب‌زده: در این موارد بدون آن‌که زمینه‌ی محکمی وجود داشته باشد، فرد گرفتار نتیجه‌گیری شتاب‌زده می‌شود. ممکن است دچار «ذهن‌خوانی» شود و بدون بررسی کافی نتیجه بگیرد. مثلاً می‌گوید: من شیطان‌پرست هستم، چون خواننده‌ی محبوب من، سبک موسیقی‌اش رپ یا راک است یا مدل مو یا لباسش شبیه فلان خواننده‌ی گروه شیطان‌پرست است، پس او هم شیطان‌پرست است. به عنوان نمونه این ذهن‌خوانی تا آن‌جا ادامه یافت که یکی از خواننده‌های راک فارسی در کلیپی به مردم و هوادارانش اعلان کرد که من شیطان‌پرست نیستم. برخی تصور می‌کنند چون فلان موسیقی‌دان که عضو فلان فرقه است، از رهبر سیاسی یک حزب یا جنبش حمایت می‌کند، پس او هم به آن حزب تمایل دارد.

برخی افراد ممکن است دچار «پیش‌گویی» شوند و بدون دلیل به عرفان کاذبی جذب شوند. آمارهای زیاد و غیرعلمی به این پیش‌گویی‌ها دامن می‌زند. مثلاً برخی می‌گویند: چون روند رشد فلان فرقه در کشور زیاد بوده است و حتی توانسته‌اند در دانشگاه یا خانه‌ی معلم و... هم کنسرت داشته باشند تا چند سال دیگر همه‌ی کشور را فرا می‌گیرند. برخی از مدعیان نزدیک بودن زمان ظهور، دچار این خطای شناختی شده‌اند.

۸-۱۱. خطا در گزینش هدف: جنبش‌های معنوی نوپدید، غایت عرفان ناب را که بندگی قلبی و عاشقانه‌ی خداست، به غایت‌هایی پیش پا افتاده و دنیوی مانند خلسه‌های عرفانی، تجربه‌ی اوج، کشف و کرامات، انجام کارهای خارق‌العاده و... تنزل می‌دهند. برخی عبادت و ریاضت را بر خود تحمیل می‌کنند و انتظار دارند که به برخی مقامات عرفانی دل‌پسند مانند تجربه‌های عرفانی، طی‌الارض، کرامت و کشف و شهود برسند، اگر در مسیر دینداری و حتی ریاضت‌های شرعی برایشان مکاشفه‌ای روی نداد، گمان می‌کنند که مسیرشان اشتباه است و از مسیر اصلی جدا می‌شوند و برای رسیدن به این مقامات در دام جنبش‌های معنوی‌ای می‌افتند که ادعای کشف و شهود در آن زیاد تبلیغ می‌شود. ممکن است یک نفر چند فرقه و حلقه را برای رسیدن به خواسته‌ی خود

تجربه کند و شکست بخورد و در نهایت، بعد سرخوردگی دین و معنویت را کنار بگذارد. برخی از مدعیان عرفان هم با ادعای مقاماتی، افرادی را به دنبال خود می‌کشاند و با ترفند، حيله و حقه‌هایی، آن‌ها را دور خود نگه می‌دارند.

علامه جعفری اهداف سطحی عرفان‌های منفی را به تخیلات رؤیایی تشبیه کرده است: «... (آن‌ها) تخیلات رؤیایی در مهتاب فضای درونی که سایه‌هایی از مفاهیم بسیار وسیع مانند وجود، واقعیت، کمال، حقیقت و ... را به جای اصل آن گرفته و با مقداری بارقه‌های زودگذر مغزی آن‌ها روشن ساخته و از آن‌ها، حالی و مقامی برای خود تلقین نموده و دل به آن‌ها خوش می‌کنند، در صورتی که ممکن است، مدعی چنین عرفانی حتی برای چند لحظه از روزنه‌های قفس مادی، نظاره‌ای به بیرون از خود مجازی خویشان نکرده باشد. این همان عرفان منفی است که انبوهی از کاروان جویندگان معرفت را از لب دریای درون خود به سراب‌های آب‌نما رهنمون می‌کند.»

از ترفندهای عرفان‌های کاذب برای جذب افراد، مشخص کردن تکلیف فرد و برنامه‌ی عملیاتی دادن به اوست. عملیاتی شدن با ذهن خلاصه و عینی‌دوست اغلب انسان‌ها هماهنگ است. در این جنبش‌ها به کمی کردن امور کیفی مانند: تسلط بر خویشان در ده روز، مراقبه در بیست جلسه می‌پردازند که نوعی هدف‌گذاری است و داشتن راهی سریع، بهتر، مرحله‌بندی شده و قابل اجرا برای رسیدن به حقیقت را تبلیغ می‌کنند.<sup>۲</sup>

**نمونه‌ی عینی:** در مصاحبه‌ای که با یکی از مدرسان رزمی کار، یوگا و مدیتیشن و هیپنوتیزم شهر اصفهان داشتم گفت: متأسفانه همکاران، در کلاس‌های آموزشی سبب شده‌اند که فرد جلسه‌های هیپنوتیزمی یا مراقبه‌ای را هدف غایی در نظر بگیرد و برخی با نفوذی که بر مراجعه‌کننده‌ها داشته‌اند، آن‌ها را به نوعی کثرت‌گرایی معرفتی و سلوکی تشویق کرده‌اند؛ یعنی به آن‌ها گفته‌اند هدف از نماز و عبادت، رسیدن به آرامش و جلسه‌های عرفانی است، شما با هر کدام به آرامش می‌رسید، همان را انتخاب کنید.

۱. محمد تقی جعفری، عرفان اسلامی، ص ۲۱-۲۳.

۲. بهزاد حمدیه، ادیان جدید، معنا و ماهیت، روزنامه‌ی رسالت (سلسله مقالات)، قسمت سوم.



برخی افراد مثل اوشو در کتاب خود (الماس‌های اوشو) می‌گویند: سکس بزرگ‌ترین هنر مدیتیشن است. او می‌گوید: افراد در واقع دنبال سکس هستند، کسی که سکس و تجربه‌ها و خلسه‌هایش را تجربه نکند، مزه‌ی عبادت را هم نمی‌فهمد و بعد هم می‌گوید: همه جا محل عبادت است، هر چیزی که انسان را به اوج برساند، حتی دیدن یک گل عبادت است.

**نمونه‌ی دوم:** یکی از عواملی که سبب خطا در انتخاب هدف می‌شود، اجرای کارهای خارق‌العاده مانند راه رفتن روی آتش، خوردن عقرب و... توسط برخی از دراویش و مدعیان عرفان است. این امر ریشه در نوعی همانندسازی در خیال برای ارتقای احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس، تأیید (مجموعه‌ای از خلأهای روانی)، میل به شکوفا کردن اراده و توانایی‌های بالقوه و تسخیر امکانات برای انگیزه‌ی روانی پیشرفت دارد. (سی‌دی نمایش این دراویش، در فروشگاه‌های سطح شهر، عرضه می‌شود). انجام کارهای خارق‌العاده اگرچه نشان‌دهنده‌ی تقویت اراده و نوعی خودشکوفایی است، ولی غایت نهایی عرفان، تقرب به خدا و بندگی عاشقانه است. هم‌چنین برخی از دراویش، بسیاری از این حقه‌ها را که شبیه چشم‌بندی و شعبده‌بازی است، برملا کرده‌اند.

۸-۱۲. تحریف‌گرهای اندیشه: هویت اصلی انسان به اندیشیدن است. اگر اندیشیدن در کار نباشد، انسان مانند پَر کاه با هربادی به سمتی بدون هدف می‌رود. اسلام ما را تشویق می‌کند که با تعلیم و تعلم مستمر، تفکر و هم‌نشینی با عالمان و مطالعه، اهل اندیشه باشیم. برخی از این تحریف‌کننده‌های اندیشه که ابزاری قوی برای جذب افراد به جنبش‌های معنوی نوپدید است، عبارتند از:

الف) تلقین‌پذیری: افراد تلقین‌پذیر نظرات، گفته‌ها و نوشته‌های دیگران را بی‌چون چرا می‌پذیرند، چون اندیشه‌ی آن‌ها بر پایه‌ی استدلال منطقی استوار نیست. باید اندیشیدن منطقی را به نوجوان آموخت<sup>۱</sup>. این افراد خیلی سریع تحت تأثیر القائات و

۱. محمد پارسا، همان، ص ۳۸۸.

تبلیغات پنهان و حتی آشکار جنبش‌های عرفانی قرار می‌گیرند.

ب) هوس‌پیشگی: یکی از علل نادرست اندیشیدن، هوس‌پیشگی است. فرد هوس‌پیشه می‌کوشد از چیزی نتیجه بگیرد که آرزو و دلخواه اوست و به استدلال و اندیشه‌ی درست کاری ندارد<sup>۱</sup>. جنبش‌های عرفانی نوپدید مانند اوشو، برخی از فرق صوفیه و... مرتع هوس‌پیشگان است، چون دست آن‌ها را در رسیدن به هوس‌ها، امیال و لذت‌های آنی باز می‌گذارد.

ج) دلیل‌تراشی: یکی از عواملی که سبب اندیشه و گرایش نادرست می‌شود، دلیل‌تراشی به خاطر احساس شرم و خطا و توسل به شیوه‌های غیرمنطقی برای توجیه ناکامی و بی‌کفایتی خود است؛ یعنی چون به نفعش نیست حقیقت را بپذیرد، آن را پنهان می‌کند. چون می‌خواهد به برخی خواسته‌های خود با حضور در عرفان‌های کاذب برسد، توجیه می‌کند و می‌گوید دل باید صاف باشد، همه‌ی روش‌ها درست است، هرکسی به روشی به خدا می‌رسد؛ نماز، حلقه‌های ذکر، موسیقی، عشق مجازی و...

د) بی‌تفاوتی و اهمال‌کاری: گاهی افراد به دلیل بی‌قیدی، بی‌تفاوتی، تنبلی و اهمال‌کاری در پی اندیشه‌ی درست و تحقیق بر نمی‌آیند و نظر دیگران را به راحتی می‌پذیرند<sup>۲</sup>.

**۸-۱۳. روش آزمایش و خطا:** ساده‌ترین روش برای حل مسئله که در کارهای روزانه، بیش‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش آزمایش و خطاست. این شیوه ممکن است برای کارهای عادی مثل باز کردن در با چند کلید و یا تست چند رب‌گوجه برای انتخاب بهترین، خوب باشد، اما برای گزینش مسلک عرفانی که سعادت و شقاوت انسان در گرو آن است، نباید از این روش استفاده کنیم. متأسفانه بسیاری از افراد برای انتخاب مسلک معنوی خود، از این روش استفاده می‌کنند. این شیوه این خطر را دارد که اگر فرد با فریب و اغفال روبرو شود و در دام شیادان بیفتد، از معنویت به طور کلی زده

۱. همان.

۲. همان.

می‌شود. جنبش‌های معنوی نوپدید، برای شکار مرید از «قانون اثر»<sup>۱</sup> بهره می‌برند. آن‌ها طعمه‌ی جذاب و خوشایند (ترویج روابط آزاد جنسی، رمان‌های گیرا، تخدیر با موسیقی، مواد مخدر، مشروب و...) در مسیر راه آزمایشی افراد قرار می‌دهند تا فرد در دام آن اسیر شود. نوجوان در مسیر رشد، به شکل طبیعی دچار بحران هویت می‌شود و تعارض‌ها، تردیدها و نگرانی‌های اطرافیان به دلیل توقف یا انکار ارزش‌ها، منبع اضطراب او به شمار می‌رود. او تمایل شدید دارد، باورها و ارزش‌های والدینی و رسمی خود را شخم بزند تا از نو با هویت‌یابی آگاهانه‌ی خود آن را بنا کند که در این موقع حساس غالباً با کج‌رفتاری و کج فهمی بزرگان (والدین و رهبران معنوی و...) مواجه می‌شود، در مقابل مبلغان عرفان‌های نوپدید با ظرافت در مسیر او دام (کتاب، جزوه، سی‌دی، اردوی تفریحی - تبلیغی و...) می‌گستراند و خوب هم جذب می‌کند.

**۸-۱۴. اختلال در تصمیم‌گیری:** تصمیم‌گیری زمانی است که بخواهیم از بین چند گزینه، یکی را انتخاب کنیم و از تردید و تحیر و اضطراب حاصل از آن، رها شویم. انسان فطرتاً حقیقت‌جو و معنویت‌خواه است. این نیاز درونی، او را وادار می‌کند که برای گزینش عرفان صحیح از عرفان‌های کاذب، دست به گزینش و تصمیم‌گیری بزند. برخی عوامل سبب می‌شوند که فرد در فرآیند تصمیم‌گیری دچار اشتباه شود که عبارتند از:

الف) تأثیر هیجان‌ها در تصمیم‌گیری<sup>۲</sup>: هیجان‌ها، عواطف، احساسات، تعارضات، عقده‌ها، تعصب‌ها و به طور کلی انگیزه‌های هشیار و اغلب ناهشیار سبب می‌شوند که فرد نتواند از بین راه‌ها و گزینه‌های مختلف، مسیر صحیح را انتخاب کند. به عنوان نمونه برخی جذب یک عرفان خاص می‌شوند به دلیل این‌که، رئیس آن مکتب، رمان‌های زیبا و جهانی نوشته و با مقبولیت گسترده روبه‌رو شده است، یا این‌که او ابراز علاقه به یک نوع ورزش مانند فوتبال یا ورزش‌های رزمی می‌کند و در بین ورزشکاران حاضر

۱. قانون اثر نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که در جریان آزمایش و خطا، هرگاه بین محرک و پاسخ، رابطه‌ی خوشایند و لذت‌بخشی پدید آید، آن رابطه تقویت می‌شود و برعکس، اگر بین محرک و پاسخ، رابطه‌ی ناخوشایند و آزاردهنده‌ی به وجود آید، آن پاسخ خاموش می‌شود و از بین می‌رود.

۲. محمد پارسا، همان، ص ۳۹۲.

می‌شود.

ب) واکنش دیگران در تصمیم‌گیری: افرادی که احساس خودکم‌بینی دارند، تلقین‌پذیرند، از نظر هوشی بسیار پایین هستند و یا نسبت به نظراترافیان تعصب خاصی دارند، بدون بررسی راه درست، در مسیری قرار می‌گیرند که دیگران آن را جهت می‌دهند.

ج) زمان و تصمیم‌گیری: افرادی که زیر فشار شتاب و عجله قرار دارند، تصمیم درستی نمی‌گیرند. کمبود وقت برای سنجیدن گزینه‌های مختلف، سبب تصمیم‌گیری عجولانه و نادرست می‌شود. انسان همواره نیازمند گرایش به سوی معنویت و تعلق خاطر به گروه دارد. افرادی که با تحقیق، مکتب عرفانی درستی را بر نمی‌گزینند، ممکن است هنگامی که مجبور می‌شوند در دانشگاه، محل کار، خوابگاه، خدمت سربازی و... عضو گروهی شوند، به شکل ناهشیار با شتاب و عجله همان عرفانی را گزینش کنند که اکثریت افراد گروه به آن ابراز علاقه می‌کنند.

د) نداشتن قاطعیت: گاهی جذب به سمت عرفان‌های کاذب به دلیل نداشتن قاطعیت و جرأت است. عدم قاطعیت سبب می‌شود فرد مطیع چشم و گوش بسته شود و دیگران برایش تصمیم بگیرند. یکی از عواملی که سبب میان‌برذهنی و در نتیجه خطای شناختی می‌شود، تقلید چشم و گوش بسته و کورکورانه از والدین، همسر، هم‌سالان، الگوها و مدعیان عرفان است. در دین اسلام به تحقیق درباره‌ی اصول اعتقادی و مبانی دینی بسیار اهمیت داده شده است و تقلید در این مسائل مردود شمرده شده است.

هـ) مشورت با غیرمختص: در فرآیند تصمیم‌گیری، کمک از متخصص و تجربه و پیوندزدن عقل او به دانش خود، بسیار مهم است. یکی از علل گرایش افراد به عرفان‌های کاذب، مشورت با غیر متخصص است. برخی برای رسیدن به خدا، دفع سحر، رسیدن به عرفان، طی الارض و... از رمال یا طالع بین کمک می‌گیرند.

۸-۱۵. همبستگی گول‌زننده: چون استاد یوگا، ذن، مهارت‌های زندگی، فوتبالیست محبوب یا استاد نمونه‌ی دانشگاه (هنر، فیزیک، پزشکی و...) را افرادی موفق می‌دانم و آن‌ها گرایش به فلان مسلک عرفانی دارند، پس این عرفان از بین همه، درست

و صادق است. چون ضریب هوشی استادم بالاست و او از فلان جنبش معنوی تبلیغ می‌کند، آن جنبش حق است. این سوگیری‌ها نوعی بیش‌تعمیمی در صفات و خطای هاله‌ای مثبت است؛ یعنی ما به دلیل برخی امتیازات فردی، دیگر امتیازات را هم به او نسبت دهیم، در حالی که این درست نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که اگر فردی در کاری متخصص بود، در امور دیگر هم که اطلاعی ندارد، تخصص داشته باشد یا نظرش درست باشد. از ویژگی‌های روان‌شناختی دوران نوجوانی و جوانی، الگوگیری، تقلید و تعلق خاطر به گروه و رفاقت خالصانه است. اگر آن‌ها را جهت ندهیم، ممکن است به دلیل شناخت کمی که دارند، در گزینش گروه، الگو و دوست و... دچار خطا شوند و در دام عرفان‌های کاذب بیفتند.

**۸-۱۶. دسترسی‌پذیری:** در برخی از کشورها، تعداد زیادی، فرقه‌های عرفانی وجود دارد، به گونه‌ای که تشخیص سره از ناسره برای افراد غیرمتخصص مشکل می‌شود. بسیاری از افراد به‌جای این که برای گزینش عرفان ناب از عرفان‌های دروغی، وقت بگذارند، تحقیق و بررسی کنند، به دلیل هزینه‌بر بودن تحقیق (زمانی، مادی، ذهنی و...) به یکی از آن‌ها که در دسترس است، روی می‌آورند. در مؤلفه‌هایی که در زیر ذکر شده، از میان‌برذهنی دسترسی‌پذیری استفاده می‌شود که نوعی سوگیری و خطای شناختی هم محسوب می‌شود:<sup>۱</sup>

الف) تبلیغات زیاد، مجوز چاپ و نشر زیاد: برخی افراد به این دلیل عرفانی را حق می‌دانند و به آن گرایش پیدا می‌کنند که تبلیغات زیادی در سطح شهر، سایت‌ها و... دارد، عده‌ای از هوادارانش کتاب‌ها یا نسخه‌ی pdf آن را رایگان در اختیار دیگران قرار می‌دهند،<sup>۲</sup> کتاب‌های زیادی از آن ترجمه شده است و انتشارات مختلف داخلی با گرفتن مجوز، آن‌ها را چاپ کرده‌اند.

ب) مفت باشه، کوفت باشه: یکی از عواملی که سبب خطای شناختی می‌شود، این است که مردم عموماً به چیزهای ارزان و رایگان گرایش دارند تا جایی که شعار «مفت

۱. جمعی از مؤلفان، همان، ص ۱۰۵.

۲. با یک جست‌وجوی بیست دقیقه‌ای، حدود چهل جلد از کتاب‌های اوشو را از اینترنت دانلود کردم (مؤلف).

باشه، کوفت باشه» در زندگی آن‌ها جاری است. هم‌چنین امور آسان، جذاب و راحت، اثر زیادی در جذب افراد دارد. از آسیب‌های جدی در ارائه‌ی عرفان اسلامی به تازه‌واردها، سخن‌گفتن نابه‌هنگام یا زودهنگام از چاه‌ها، نسیه‌ها (اجر)، سختی‌ها، هشدارها، «نکن‌نکن‌های مکرر» و مرگ<sup>۱</sup> است؛ «سخت‌گویی» (در بیان)، «سخت‌نویسی» (عبارات و کتاب برای عموم<sup>۲</sup>)، «سخت‌گیری» (در دستورالعمل دادن و نشان‌دادن راه، خوردن، پوشیدن و...)، «سخت‌یابی» (جلسات و آثار)، «سخت‌فهمی» (سلیس نبودن عبارات)، «سخت‌پذیری» (علاقه‌مندان از سوی رهبران و اساتید) و سخت وصالی (دور جلوه‌دادن خدا و مقام وصل)<sup>۳</sup> سبب گریز افراد از عرفان اسلامی می‌شود.

در برابر، بسیاری از سردمداران عرفان‌های نوپدید مانند اوشو، کوئلیو و... بر زندگی، عشق<sup>۴</sup>، نقدها (تکنیک‌ها و روش‌های کاربردی برای لذت بردن از زندگی)، خوشی‌ها، راحتی‌ها و «بکن‌بکن‌های مستمر» تأکید دارند؛ خوش‌پوشی (استفاده از لباس جذاب استاد و مرید و نمادهای آن فرقه)، خوش‌خوری، خوش‌خوابی، خوش‌گذرانی<sup>۵</sup> (مشروب و مواد مخدر و رقص و سماع)، خوش‌نویسی (زیبا و سلیس)، خوش‌آمدگویی (استقبال گرم از تازه‌واردان)، خوش‌رفتاری (در برخورد و ارتباط با مردم)، خوش‌مشری و خوش‌طبعی (لطیفه و شوخی)، خوش‌گویی و شیرین‌زبانی (استفاده از قصه، تمثیل متناسب با فرهنگ هر قوم)<sup>۶</sup>، خوش و بش (با هم‌جنس و غیر

۱. مرا در منزل جانان چه جای امن، چون هر دم جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها  
اقتلونی اقتلونی یا ثقات ان فی قتلی حیاتاً فی حیات.

۲. یکی از کتاب‌های عرفانی که عموم مردم از آن استفاده می‌کنند، نشان از بی‌نشان‌هاست. عبارات این کتاب برای جوان و عموم مردم سخت است.

۳. مراد این نیست که عرفان اسلامی عیناً باید مثل عرفان‌های کاذب شود، بلکه مقصود این است که به ظرافت‌های تبلیغی برای تازه‌واردها پرداخته شود و راه تسهیل شود و عایق‌ها برطرف شود.

۴. رک: آثار اشو مانند: عاشقانه‌ها؛ عشق پرنده‌ای آزاد و رها؛ عطیه برتر و کمی‌اگر ۲ و آثار پائلو کوئلیو مانند: نامه‌های عاشقانه‌ی یک پیامبر و دالای لاما، عشق و همدردی.

۵. مانند آموزه‌ها و تعالیم دالای لاما و بسیاری از آموزه‌های اوشو در کتب مختلف او و کوئلیو در کتاب «چون رود جاری باش».

۶. اکثر سخنرانی‌های اوشو و داستان‌های تمثیلی و رمان‌های کوئلیو از این نوع هستند مانند: قصه‌هایی برای پدران، فرزندان، نوه‌ها یا کتاب ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد و کتاب دومین مکتوب (اشکال جدی سبک تبلیغی ما این است که ما از قدرت

هم‌جنس)، خوشگلی و خوش سیمایی (استفاده از پیام، ابزار، روش و افراد جذاب برای تبلیغ)، خوش‌نوایی و خوش‌خوانی (آواز و موسیقی)، خوش مسیری (آدرس سرراست و شماره تماس رُند)، خوش خدمتی (رفع نیازهای جنسی، مادی یا روانی)، خوش وصالی (راحت رسیدن به خدا یا تجربه‌ی اوج حتی با رابطه‌ی جنسی<sup>۱</sup>) و... وقتی جوانی که ذاتاً معنویت‌گراست، نمی‌تواند به راحتی اساتید و عرفای اسلامی را ببیند، یا سؤالاتش را بپرسد، نمی‌تواند برای کتب عرفان اسلامی گران‌قیمت هزینه کند، یا اصلاً آن‌ها را در دسترس ندارد و یا اگر در دسترس دارد، به دلیل کلمات دشوار و اصطلاحات سنگین چیزی سر در نمی‌آورد، وقتی از کارشناسی که سخت‌گیر<sup>۲</sup> و ناوارد است، درباره‌ی عرفان، سؤالی می‌پرسد و او راه را بسیار باریک و تاریک و پر خطر معرفی می‌کند که جوان از پیمودن اصل راه صرف نظر می‌کند، بالأخره از روی ناچاری یا ناهشیاری، برای ارضای نیاز فطری معنا‌خواهی‌اش به دنبال استاد، فرقه و گروه عرفانی‌ای می‌رود که: از او استقبال می‌کنند، این عطش را پاسخ می‌دهند، جزوات، کتاب، سی‌دی، سایت و کلاس در اختیارش می‌گذارند و عرفان را برایش راحت می‌کنند.

**نمونه:** برخی از کارشناسان که به ظرافت‌های روان‌شناختی سیر و سلوک دقت ندارند، نامه و دستورالعمل‌هایی را که بزرگان به شاگردان خاص خود گفته‌اند، به جوان تازه وارد می‌گویند و یا بدون دقت به مراحل سیر و سلوک، به جای این‌که هشدارها را تدریجی و متناسب با مرحله بگویند و افراد را به پیمودن راه و مراقبت ترغیب کنند، بر بیان خطرات راه تأکید می‌کنند. این اشعار اگر در جای مناسب گفته نشوند، مانند سمّ عمل می‌کنند:

عشق کار پهلوان است ای پسر

عشق، کار نازکان نرم نیست

ادبیات بسیار غافلیم و مبلغانی که از شیوه‌ی ادبی استفاده می‌کنند، مهجور هستند. گذشتگان ما چون سعدی، حافظ، مولوی و... در این امر بسیار موفق بوده‌اند - مؤلف

۱. اوشواز این امر در آثارش برای تبلیغ خود کمک می‌گیرد.

۲. در ضمن مشاوره، دختر افسرده‌ای که سابقه‌ی رابطه با جنس مخالف را داشت می‌گفت: از کرده‌ی خود پشیمان بودم، روزی برای توبه و ورود به حوزه‌ی دین و معنویت، پیش خانمی مبلغ رفته‌م، او سر من داد زد و گفت: برو تا با آتش خشم الهی، من را هم نسوزانده‌ای.

یا

از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود      زنهار ازین بیابان، وین راه بی‌نهایت<sup>۱</sup>

یا

طی این مرحله بی‌همری خضر مکن      ظلماتست، بترس از خطر تنهایی  
اشعار عرفانی زیادی داریم که به راحت بودن سلوک اشاره دارد:  
به دریا بنگرم، دریات وینم      به صحرات بنگرم، صحرات وینم  
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت      نشون از قامت رعنا وینم<sup>۲</sup>

یا

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست      عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست<sup>۳</sup>  
عشق و زندگی، برای نوجوانان و جوانان که هنوز هویتشان شکل نگرفته و یا هویت آشفته‌ای دارند و در بحران هویت به سر می‌برند و امید و میل شدید به زندگی کردن و لذت بردن از مواهب الهی دارند، بسیار مهم است. بنابراین برای آن‌ها خوشایند نیست که از ابتدا و قدم اول عرفان، در مذمت از عشق سخن گفته شود، پیوسته لذت‌های دنیوی محکوم شود و مکرراً سخن از مردن و حسابرسی قبل از مرگ به میان آید. اگر جوان در جلسات خوب و جذاب عرفان مثبت، به تدریج هویتش شکل بگیرد، برای سؤال‌های اساسی‌اش پاسخی قانع‌کننده بیابد، هدف از خلقت را درک کند و بداند که او جایگاه ویژه در هستی دارد، به تدریج به استقبال مراحل دشوارتر سلوک معنوی می‌رود.<sup>۴</sup>  
مرکز تحقیقات کامتور علوم اسلامی  
ج) مجاورت (زمانی و مکانی): یکی از مصادیق دسترسی‌پذیری، مجاورت است، چون استاد، کتب، جلسات، مرکز و مؤسسه‌ی یک فرقه یا مکتب عرفانی، در مجاورت محل زندگی یا تحصیل افراد هست، در بین این همه مدعیان عرفان و معنویت، بدون

۱. دیوان حافظ، نرم افزار درج ۳.

۲. دیوان بابا طاهر، نرم افزار درج ۳.

۳. دیوان حافظ نرم افزار درج ۳.

۴. این بی‌دقتی در ظرافت‌های روان‌شناختی در بیان مسائل اخلاقی - عرفانی، گاهی از اساتید اخلاق و عرفان هم سر می‌زند، من خودم وقتی طلبه‌ای جوان بودم، هنگامی که در درس اخلاق برخی از اساتید شرکت می‌کردم یا مدرسه از آن‌ها دعوت می‌کرد، با این سخت‌گیری و سخت‌گویی‌ها مواجه می‌شدم. گاهی هم اساتید بدون در نظر گرفتن سطوح عرفانی افراد، در جمع نسخه‌ی کلی برای همه می‌پیچیدند. (مؤلف).



تحقیق جذب همان می‌شوند. تبادر<sup>۱</sup> ذهنی به دلیل مجاورت زمانی یا مکانی و یا تبلیغاتی، می‌تواند در گزینش افراد اثر بگذارد. (تبادر ذهنی وقتی است که عرفانی، در عرف خاص مانند پزشکان و در عرف عام مانند مردم ورد زبان‌ها باشد، به گونه‌ای که وقتی سخن از عرفان می‌شود، بلافاصله ذهن آن عرفان را تصور کند.)

**نمونه‌ی عینی:** با یکی از طلاب آمریکایی که در جامعه‌المصطفی‌العالمیه در گرایش فلسفه و عرفان، تحصیل می‌کند، مصاحبه کردم او می‌گفت: دسترسی به کتاب‌های عرفان بسیار مهم است. الآن در آمریکا مردم تشنه‌ی عرفان و معنویت هستند و این احساس کمبود و نیاز شدید، مجال بررسی را از آن‌ها می‌گیرد، بنابراین به هر عرفانی که در دسترسشان باشد، گرایش پیدا می‌کنند. به همین دلیل من وظیفه دارم از قم کتاب‌های عرفان اسلامی مانند ابن عربی، مثنوی و... را بفرستم یا با خود ببرم. در آمریکا افرادی زیادی چون حقیقت را ندیدند، ره افسانه زدند.

(د) استقبال زیاد در مدت کوتاه: برخی به این دلیل جذب یک فرقه یا مسلک عرفانی می‌شوند که در مدت زمان کوتاهی، توانسته است مریدان و پیروان زیادی جذب کند. این نوعی استفاده کردن از میان‌بر ذهنی است و در معیار حقیقت دچار خطای شناختی شده‌ایم. افراد و کشورهای سودجو برای رسیدن به اهداف خود، از دادن آمار زیاد برای سوق افراد به این فرقه‌ها کمک می‌گیرند.

(ه) توافق کاذب: یعنی فرد تصور کند که چون او عضو یک گروه عرفانی است یا نسبت فامیلی با رهبرش دارد، افراد زیادی به این گروه تمایل و گرایش دارند و به زودی جذبش خواهند شد. توافق کاذب از نظر روان‌شناختی برای بالا بردن احساس عاطفه‌ی مثبت و اعتماد به نفس بالا ایجاد می‌شود.

(و) انحصار روش شناختی: برخی، راه شناخت را به علوم تجربی که قابل مشاهده، قابل تکرار و عینی است، محدود کرده‌اند. بنابراین دنبال عرفان‌هایی می‌گردند که پشتوانه‌ی طبیعی و تجربی و تحقیقات علمی مانند یوگا، مدیتیشن و عرفان داشته باشند،

۱. چیزی که زودتر به ذهن خطور می‌کند.

درحالی که دایره‌ی شناخت شامل راه‌های معتبر عقلی و نقلی (قرآن و حدیث) هم می‌شود.

ز) اصالت سود و لذت حسی: یکی از میان‌برهای ذهنی متعارف و طبیعی برای گزینش تحلیل سود و زیان، توجه به میزان ناراحتی و لذت است؛ یعنی افراد معمولاً از بین اطلاعات زیاد به بخشی گرایش دارند که برایشان لذت یا سود حسی و جسمی داشته باشد. کسی که ذهنی ناآرام و آشفته دارد و از نظر فیزیولوژیکی (غذا، امور جنسی، پوشاک و مسکن) محروم است، راه شناختش بسته می‌شود و توان ذهنی و عاطفی برای تحقیق ندارد، به همین دلیل دنبال راه‌هایی است که نیازهایش را ارضا کند. ناعدالتی در دنیا، جنگ‌ها، بیماری‌های متنوع و فراگیر روانی، اضطراب و فشارهای زندگی در عصر ارتباطات سبب شده که برخی فرقه‌های معنوی مانند عرفان سرخ‌پوستی و بودیسم از آب گل آلود ماهی بگیرند و محور کار تبلیغ خود در زندگی را رهایی از رنج و سختی‌های زندگی، کسب شادی، آرامش درون و... قرار دهند. برخی زنان خیابانی به دلیل بی‌پناهی و امنیت نداشتن، جذب فرقه‌های معنوی کاذب می‌شوند.

**نمونه‌ی عینی:** یکی از طلاب افغانی جامعه‌المصطفی در قم که در رشته‌ی فلسفه تحصیل می‌کند و حافظ قرآن است، درباره‌ی گرایش به عرفان‌های کاذب در کشورش چنین می‌گفت: در کشور ما مردم به دلیل جنگ، اختلافات داخلی و... با فقر زیستی، بهداشتی، عاطفی و شناختی مواجه هستند. کسی که شکمش گرسنه شد، راه بینشش بسته می‌شود. اسلام می‌گوید فقر که از در آمد، ایمان حقیقی از پنجره می‌گریزد. برخی از مبلغان مسیحی از این فرصت استفاده می‌کنند و برای مدت زیادی با عناوین غیر مبلغ مانند خدمت‌رسانی، پزشک و... بین مردم حاضر می‌شوند.<sup>۱</sup> آن‌ها صندوق قرض الحسنه راه‌اندازی کرده‌اند و به جوانان مستعد گرایش به مسیحیت، وام با قسط کم می‌دهند و با آن‌ها با مهر و محبت و چهره‌ی گشاده برخورد می‌کنند، بعد از اتمام اقساط، مبلغ کل وام را دوباره به آن‌ها هدیه می‌کنند. غیر مستقیم القا می‌کنند که خود مقایسه کنید: اسلام

۱. مبلغان مسیحی هنگام بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله در محل حادثه حاضر می‌شوند و با حمایت مادی و عاطفی، تبلیغ غیر مستقیم می‌کنند.

دین عشق، محبت و رحمت است یا مسیحیت؟

ح) خودمیان‌بینی: چون اعضای هر گروه، حجم متراکمی از اطلاعات درباره‌ی گروه خود دارند و بسیاری اهل پژوهش و تحقیق نیستند، تصور می‌کنند گروه خود حق و یا برترند.

ط) پدیده‌ی آماده‌سازی: تصورات و تفکراتی که اخیراً درباره‌ی موضوعی داشته‌ایم، بر گزینش ما اثر می‌گذارد. به عنوان نمونه بسیاری از افراد وقتی مشغول مطالعه‌ی کتاب‌های رمان و جذاب پائلو کوئلیو می‌شوند یا سخنان پرطمطراق او شو را می‌خوانند، (بدون این‌که همه‌ی آثارشان را بخوانند و در مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و تناقض‌های محتوایی این آثار دقت کنند و به بررسی نقدهای وارده بر آن‌ها بپردازند و با عرفان‌های دیگر آشنا شوند و بهترین را برگزینند)، فکر می‌کنند همین چیزهایی که الان مطالعه می‌کنند، حرف تمام را در عرفان زده‌اند.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی علل روان‌شناختی در گرایش به جنبش‌های نوپدید معنوی، با تأکید بر روش علل شناختی پرداختیم و روش تحقیق، رویکرد توصیفی - تحلیلی با تطبیق بر نمونه‌های عینی است. در این پژوهش با توجه به تحلیل روان‌شناختی برخی فیلم‌ها، گزارش‌ها، اعترافات مستند، برخی کتاب‌ها و آثار موجود درباره عرفان‌های کاذب، و مصاحبه آزاد با ۱۵ کارشناس حوزوی - دانشگاهی، برخی از عمده‌ترین عوامل شناختی گرایش به جنبش‌های نوپدید معنوی بیان شده و این عوامل، با توجه به نمونه‌های عینی و مؤیداتی که در کنارشان نقل کرده‌ایم، بهتر معرفی شده‌اند. عوامل یاد شده، همه در یک سطح و با قدرت نفوذ یکسان نیستند؛ آنها ممکن است «تسهیل‌کننده»، «تسریع‌کننده»، «تکمیل‌کننده»، و یا «تثبیت‌کننده» باشند. اگر چه قصد ما در این پژوهش کشف عوامل شناختی گرایش به جنبش‌های نوپدید معنوی بود ولی به مناسبت، برای رویارویی با این گرایش‌های کاذب، راهکارهایی نیز پیشنهاد کرده‌ایم.

## منابع

۱. اسلامی نسب، علی، شفای وسواس، تهران، نشر شفابخش، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲. اشو، عشق، پرنده‌های آزاد و رها، ترجمه‌ی مسیحا برزگر، تهران، دارینوش، ۱۳۸۲.
۳. افکاری، نصرت الله، فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی، فرهنگ معاصر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۴. اشو، آواز سکوت، ترجمه‌ی سید جواد حسینی، تهران، بی‌جا، ۱۳۸۴.
۵. اشو، آه، این ....، ترجمه‌ی محسن خاتمی، تهران، نشر آویژه، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۶. اشو، الماس‌های اشو، ترجمه‌ی مرجان فرجی، تهران، فردوس، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۷. اشو، بلوغ، ترجمه‌ی مرجان فرجی، تهران، فردوس، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۸. اشو، عاشقانه‌ها، ترجمه‌ی قوام‌الدین خرمشاهی، تهران، سایه گستر، ۱۳۸۳.
۹. اشو، عشق، رقص زندگی، ترجمه‌ی بابک ریاحی پور، تهران، نگارستان کتاب، ۱۳۸۰.
۱۰. اشو، مراقبه، هنر وجد و سرور، ترجمه‌ی فرامرز جواهری‌نیا، تهران، فردوس، ۱۳۸۰.
۱۱. شریف زاده، بهمن، مدیریت معنویت‌گرایی در جهان غرب، فصلنامه‌ی مطالعات معنوی، شماره‌ی ۱، پژوهشکده‌ی باقرالعلوم، قم، زمستان ۱۳۸۹.
۱۲. پائلو کونلیو، بریدا، ترجمه‌ی آرش حجازی و بهرام جعفری، تهران، نشر کاروان، ۱۳۸۴.
۱۳. پارسا، محمد، بنیادهای روان‌شناسی (روان‌شناسی عمومی)، تهران، نشر سخن، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۴. پارسا، محمد، زمینه‌ی روان‌شناسی، تهران، نشر مؤسسه، انتشارات بعثت، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۵.

۱۵. جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، **قبیله‌ی حيله (نگرشی بر کارنامه‌ی مدعیان معنویت و مهدویت)**، معاونت جامعه و نظام، مدیریت سیاسی، قم، ۱۴۲۹ ق.
۱۶. جعفری، محمد تقی، **عرفان اسلامی**، تهران، انتشارات نشر، علامه جعفری، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۱۷. جمعی از مؤلفان، **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**، قم، نشر پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۵۸.
۱۸. قمری گیوی، حسین، **معنویت، هویت و بهداشت روانی در گستره‌ی زندگی**، فصلنامه‌ی روان‌شناسی و دین، شماره‌ی ۴.
۱۹. مظاهری سیف، حمیدرضا، **عرفان حلقه، تهدیدی جدی برای بهداشت معنوی جامعه**، فصلنامه‌ی مطالعات معنوی، شماره‌ی ۱، پژوهشکده‌ی باقرالعلوم، قم، زمستان ۱۳۸۹.
۲۰. کریمی، حمید، **جهان تاریک شناخت و نقد فرقه‌ی شیطان‌پرستی**، قم، بوستان کتاب، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.
۲۱. دفتر هنر و ادبیات رحال، **سی‌دی مستند شیطان‌پرستی**، تهران.
۲۲. فونتا، دیوید، **روان‌شناسی دین و معنویت**، ترجمه‌ی اسوار، قم، نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۳. سازمان تبلیغات اسلامی با همکاری بسیج مدرسه‌ی علمیه‌ی قم معصومیه، **سی‌دی هجوم خاموش**.
۲۴. ساعتچی، محمود، **مشاوره و روان‌درمانی (نظریه‌ها و راهبردها)**، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۷۷.
۲۵. سای بابا، ساتیا، **سخنان ساتیا سای بابا**، توراندخت تمدن (مالک)، تهران، نشر تعالیم حق، ۱۳۸۴.
۲۶. شریفی، احمد حسین، **درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب**، قم، نشر صهبای یقین، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۲۷. \_\_\_\_\_، **جنگ نرم**، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام

خمینی، ۱۳۹۰.

۲۸. شعاری نژاد، علی اکبر، نگاه نو به روان‌شناسی انسان سالم، تهران، نشر اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۲۹. \_\_\_\_\_، روان‌شناسی رشد بزرگسالان در فراخنای زندگی، مشهد، نشر ثامن، ۱۳۷۷.

۳۰. شولتز، دوان پی، شولتز سیدنی الن، نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش، چاپ دهم، ۱۳۸۶.

۳۱. طاهری، محمدعلی، عرفان کیهانی (حلقه)، بی‌جا، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

۳۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۳۳. فاضلی، قادر، عرفان عملی، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور (مجموعه آثار).

۳۴. \_\_\_\_\_، آب و سراب، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور (مجموعه آثار).

۳۵. فعالی، محمدتقی، آفتاب و سایه‌ها، قم، نشر نجم الهدی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.

۳۶. فعالی، محمدتقی، سی‌دی عرفان‌های نوظهور، قم، دفتر نشر معارف، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها.

۳۷. قدیری، محمدحسین، روان‌شناسی و مهارت‌های رفتاری در تبلیغ غیرمستقیم، قم، نشر ذوی‌القدر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۳۸. \_\_\_\_\_، بررسی آرای یک روان‌شناس فمینیست (نقد کتاب دختران خوب به بهشت می‌روند و دختران بد به همه جا)، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی زنان، محمد حسین قدیری، تهران، نسخه‌ی شماره‌ی ۳۱، بهار ۱۳۸۵.

۳۹. کوئلیو پائلو، خاطرات یک مغ، ترجمه‌ی آرش حجازی، نشر کاروان، تهران، ۱۳۸۴.

۴۰. گنجی، حمزه، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، تهران، نشر بعثت، چاپ دهم، ۱۳۸۰.

۴۱. لوک بدار، ژول دزیل و لوک مارش، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حمزه گنجی، تهران، نشر ساولان، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.

۴۲. مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، سی‌دی «ناقوس

شیطان».

۴۳. مؤسسه‌ی نرم‌افزاری کوثر، سی‌دی از برره تا لوس آنجلس، قم.

۴۴. مؤسسه‌ی فرهنگی هنری نرگس، برنامه‌ی مستند شوک، شبکه‌ی سوم.

۴۵. مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، نگارش احمد حسین شریفی،

قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴۶. مطهری، مرتضی، عرفان اسلامی، قم، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.

۴۷. ناصری‌راد، علی، افسون حلقه (نقد و بررسی عرفان حلقه)، تهران، نشر

سایان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۴۸. هارولد، کلمپ، تمرینات معنوی اک، ترجمه‌ی مرجان داوری، تهران، سی

گل، ۱۳۸۰.

۴۹. هارولد، کلمپ، روح نوردان سرزمین‌های دور، ترجمه‌ی مهیار جلالیانی،

تهران، ایساتیس، ۱۳۷۹.

۵۰. هارتزگری، معنویت و سلامت روان (کاربردهای بالینی)، ترجمه‌ی

امیرکامگار و عیسی جعفری، تهران، نشر روان، چاپ اول، ۱۳۸۷.